

رنگ تہنشاہ

عالیٰ گہر پٹی

رنگ

تنہارہ رہائی

علی اکبر مہدی پور

| | |
|----------------------|--|
| سرشناسه | : مهدی پور. علی اکبر. ۱۳۲۴. |
| عنوان و نام پدید آور | : تنه‌اره‌رهایی. نویسنده علی اکبر مهدی پور |
| مشخصات نشر | : قم: عطر عترت، ۱۳۹۱ |
| مشخصات ظاهری: | : ۸۸ ص. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۴۰-۳ |
| وضعیت فهرست نویسی: | : فیبا |
| موضوع | : محمد بن الحسن (عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - دعاها |
| موضوع | : مهدویت - انتظار |
| رده بندی گنجره | : ۱۳۹۱ ت ۹ م ۹/۴ BP۲۲۴ |
| رده بندی دیوئی | : ۲۹۷/۴۶۲ |
| شماره کتابشناسی | : ۲۸۰۹۱۹۹ |

تنه‌اره‌رهایی

علی اکبر مهدی پور

ناشر: عطر عترت

چاپ اول: بهار ۱۳۹۱

چاپخانه: معراج

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۴۰-۳

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

تلفن پخش: ۰۹۱۲۴۵۱۱۷۸۵ تهران: ۰۲۱-۳۳۱۹۰۱۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ﴾

ای عزیز!

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فروریخته، و اینک با بضاعتی اندک به
سویت آمده‌ایم.

ای عزیز فاطمه!

در کام طوفان‌ها فرو رفتیم، در زیر ضربات دشمن لگدکوب شدیم،
سایه سنگین فتنه‌ها را بر شانه‌های خود لمس کردیم. در هر گوشه‌ای
صدای دادخواهی بلند شد، با یک دنیا امید به سویش دویدم و نومید
برگشتیم.

و اینک، برخیز!

برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز، پرچم حق را بر فراز گیتی
برافراز و ریشه ظلم و ستم از روی زمین برانداز.

زمزمه عاشق منتظر

ای کَهفِ حصین، ای دُرِّ ثمین، ای خورشید پرده نشین، گوشه چشمی
بنما به دل‌های غمین.

ای حَجَّتِ ثانی عشر ای شب دیجور راستاره سحر، ای امام غایب از
نظر، از منتظران رنجورت دریغ مفرما یک نظر.

ای فرزند عسکری، ای سلیل محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ای غریو حیدری عَلَيْهِ السَّلَام، بر
منتظران قدمت ز کرم نما نظری.

ای ابر فیض بار، یا روح نوبهار، ای ز خوان کرمت ما سوار ریزه خوار، از
دل سوختگان کویت «یک نگاه» دریغ مدار.

ای پیشوای حل و حرم، ای وجودت افضل نعم، ای در انتظارت جمله
أمم، بر خیز و آرزوی مشتاقان برآور، ای سحاب کرم.

ای آفتاب جهانتاب، ای جمله ماسوا از خوان کرمت فیض یاب، به
ظهورت شتاب، به ظهورت شتاب.

ای مسیحا نفس، ای همه درماندگان را دادرس، ای هر چه افتاده تو
فریادرس، به فریادرس، به فریادرس.

تنها امید

این خورشید فروزان که روشنگر پهنه زندگی است، چه بی رحمی‌ها و سنگدلی‌ها دیده، بر چه شاخ و برگ‌های برومند که به ستم در درختزار زندگی خشک شده‌اند تابیده است.

این مهتاب غمرنگ که با هاله‌ای اندوهبار، همچون اشک در چشم آسمان می‌غلطد شاهد چه جنایاتی است که بر مظلومان رفته است.

این خزان که خشمگین از راه می‌رسد و برگ درختان را بی‌رحمانه می‌ریزد، خود می‌بیند که در گلستان زندگی برگ و گلی نمی‌ماند.

دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم دردآلود و دردزاست. سراسر درد و اندوه است و آینده‌ای که در برابر دیدگان ترسیم می‌شود، تاریک، ابهام‌آمیز و یأس‌آور است.

روانشناسان و روانکاوان تنها راه درمان این دردها را در بازگشت به معنویت جستجو می‌کنند، تا با کمک ادیان کابوس یأس و ناامیدی را از افق زندگی به دور انداخته، فروغ امید و آرزو را به دیدگان نگران این مردمان بازگردانند.

هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می‌کنیم، کتب آسمانی را سراسر امید و سرشار از نویدهای بهروزی می‌یابیم و اینک نگاهی گذرا به چند حدیث رسیده از پیشوایان معصوم که «راه‌هایی» از این فتنه‌های تیره و تاریک را برای ما بیان فرموده، دریچه امید به سوی آینده‌ای سرشار از امید و نوید را در برابر دیدگانمان ترسیم می‌نماید.

۱- شیخ مفید رحمته الله با سلسله اسنادش از ابو خالد کابلی روایت کرده که گفت: حضرت علی بن الحسین علیه السلام به من فرمودند:

يَا أَبَا خَالِدٍ! لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ؛

ای ابا خالد! بی گمان فتنه هایی چون شب تیره و تاریک خواهد رسید، که رهایی نخواهد یافت، جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد. (۱)

۲- مرحوم کلینی حدیثی را با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در آن حوادث و رخدادهای دوران غیبت و فتنه های شکننده آن تشریح می شود و در فرازی از آن امام علیه السلام می فرماید:

فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ، وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ، وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛

از این فتنه ها رهایی نمی یابد جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد و ایمان را در دلش نوشته باشد و او را با روحی از خود تأیید نموده باشد. (۲)

۳- شیخ صدوق رحمته الله با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

سُتْصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِإِلْمِ يَرِيٍّ وَ لَا إِمَامٍ هُدَى، وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ؛

شُبُهه ای برای شما پیش خواهد آمد که بدون نشان آشکار و امام

۱- شیخ مفید، الأملی: ص ۴۵، مجلس ۶، ح ۵.

۲- کلینی، الکافی: ج ۱، ص ۳۳۶، باب فی الغیبه، ح ۳.

هدایت شعار خواهید ماند، از آن شبهه‌رهایی پیدا نمی‌کند، جز کسی

که دعای غریق را بخواند.

عبدالله بن سنان - راوی حدیث - عرضه داشت:

دعای غریق چگونه است؟ امام علیه السلام فرمود:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛

ای خدا، ای رحمان، ای بخشایشگر، ای دگرگون‌کننده دل‌ها، قلب مرا

بر دین خود ثابت و استوار بدار.

عبدالله بن سنان عرضه داشت:

يا الله يا رحمن يا رحيم، يا مقلب القلوب - و الأبصار - ثبّت قلبی علی

دینک.

امام علیه السلام فرمود:

آری خداوند دل‌ها و دیده‌ها را دگرگون می‌سازد، ولی همان گونه که

من گفتم، بگو. (۱)

این حدیث شریف صریح است که در دعاهای رسیده از معصوم علیه السلام

نباید تصرف کرد و به دلخواه کم و زیاد نمود.

۴ - مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام، از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

طُوبَى لِعَبْدٍ نُومَةٍ، عَرَفَهُ اللهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ النَّاسُ؛

خوشا به حال بنده بی‌نام و نشان، که خداوند او را بشناسد، ولی

مردمان او را نشناسند. (۲)

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین: ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۴۹.

۲ - کلینی، الکافی: ج ۲، ص ۲۲۵، باب الکتمان، ح ۱۱.

آنگاه از امیر مؤمنان علیه السلام در همین رابطه روایت کرده که فرمود:

طُوبَى لِكُلِّ عَبْدٍ نَوْمَةٍ لَا يُؤَبِّهُ لَهَا، يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ؛

خوشا به حال هر بنده بی‌نام و نشان که در جامعه مورد توجه نباشد،
او مردمان را بشناسد، ولی مردمان او را نشناسند. (۱)

امیر بیان در فرازی از یک خطبه طولانی می‌فرماید:

وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كَلُّ مُؤْمِنٍ نَوْمَةٍ، إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرِفْ، وَإِنْ
غَابَ لَمْ يُفْقَدْ؛

و این زمانی است که در آن رهایی نمی‌یابد جز فرد با ایمان بی‌نام و
نشان، اگر در مجلسی حضور یابد شناخته نشود و اگر از مجلسی
غایب باشد به جستجویش نپردازند. (۲)

امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث شریف، از امیر مؤمنان علیه السلام
روایت می‌کند که بر فراز منبر کوفه فرمود:

إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو فِيهَا إِلَّا النَّوْمَةُ؛

پس از شما فتنه‌های تیره و تار و سردرگم‌کننده‌ای است، که در آن
رهایی نمی‌یابد، جز افراد بی‌نام و نشان.

پرسیدند: ای امیر مؤمنان! «نَوْمَةُ»؛ افراد بی‌نام و نشان» چه کسانی

هستند؟ فرمود:

الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ؛

کسی که مردم را بشناسد، ولی مردمان او را نشناسند. (۳)

ابن اثیر در تفسیر واژه «نَوْمَةُ» می‌نویسد:

۱- همان: ح ۱۲.

۲- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳ (ترجمه شهیدی، ص ۹۵).

۳- نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۱.

ابن عباس روایت کرده که از علی علیه السلام پرسیدند: «نَوْمَه» چیست؟ فرمود:

الَّذِي يَسْكُتُ فِي الْفِتْنَةِ، فَلَا يَبْدُو مِنْهُ شَيْءٌ؛

نَوْمَه کسی است که در فتنه، مَهْر سکوت بر لب می زند و چیزی از او ظاهر نمی شود. (۱)

در این سه حدیث که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان صلوات الله علیه در منابع اولیه نقل شده، از افراد بی نام و نشان ستایش شده و در تعریف واژه «نَوْمَه» آمده است که:

۱. نَوْمَه فرد آگاه و هشیار، که مردمان را می شناسد، ولی مردم او را نمی شناسند.

۲. فرد گمنامی که مورد توجه مردمان نیست.

۳. فرد بی نام و نشان، که اگر در مجلسی حضور داشته باشد او را نشناسند و اگر در مجلسی حضور پیدا نکند، کسی سراغ او را نگیرد.

۴. شخص متین و با احتیاط که در فتنه ها وارد نشود و سخنی از او منتشر نشود و هرگز سوژه به دست کسی ندهد.

۱- ابن اثیر، النّهائة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۱۳۱.

تنها ره‌رهایی

شیخ صدوق علیه السلام از علی بن عبد الله وراق، از سعد بن عبد الله، از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، روایت می‌کند که گفت:

به خدمت ابو محمد، حسن بن علی (امام عسکری) علیه السلام رسیدم، در نظر داشتم که از آن حضرت پیرامون جانشین آن حضرت پس از خودش بپرسم، پس آن حضرت ابتداءً فرمود:

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ عليه السلام وَلَا يُخَلِّيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.

بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ؛

ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از روزی که آدم علیه السلام را آفریده هرگز خالی نگذاشته، و تا روز قیام رستاخیز خالی نمی‌گذارد روی زمین را از حجّت خویش بر مردمان، که به وسیله او بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به سبب او بارانش را می‌فرستد و برکات زمین را ظاهر می‌سازد.

احمد بن اسحاق گوید: عرضه داشتم: ای فرزند پیامبر! بعد از شما امام و خلیفه کیست؟

پس امام علیه السلام از جای برخاستند و به شتاب وارد منزل شدند، هنگامی که بیرون آمدند، پسر بچه‌ای را بر دوش خود داشتند که صورتش همانند ماه

چهارده شبه بود و سه ساله به نظر می‌رسید.

آنگاه فرمودند:

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى حُجْبِهِ
مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا.

إِنَّهُ سَمِيٌّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَكُنْيَةُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا
مُلِثْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عليه السلام وَ مَثَلُهُ مَثَلُ
ذِي الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛

ای احمد بن اسحاق! اگر نبود که تو بر خدای عز و جل و بر حجج خدا
عزیز و گرامی هستی، این فرزندم را به تو عرضه نمی‌کردم.

او همان پیامبر خدا و هم کنیه آن حضرت است، آن که زمین را از
قسط و عدل آکنده سازد، همان گونه که با جور و ستم پر شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در میان این امت مثل خضر عليه السلام است. و
مثل او مثل ذی القرنین است.

به خدا سوگند او غایب می‌شود، یک غایب شدنی که در آن دوران
غیبت، از هلاکت‌رهایی نمی‌یابد به جز:

(۱) کسی که خداوند عز و جل او را در اعتقاد به امامت او ثابت و استوار
نگه داشته باشد.

(۲) و او را برای دعا به تعجیل فرج آن حضرت موفق نموده باشد.

احمد بن اسحاق گوید: به محضر آن حضرت عرض کردم: ای مولای
من! آیا علامت و نشانی هست که دلم با آن اطمینان پیدا کند.

پس آن پسر بچه - که درود بر او باد - بازبان عربی فصیح فرمود:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا
أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ!

من بازمانده حجج خداوند در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان

خداوند هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن دیگر از نشان مپرس.

احمد بن اسحاق گوید: شاداب و خرامان از دودمان امامت بیرون آمدم.

روز بعد به محضر آن حضرت شرفیاب شدم و عرضه داشتم: ای فرزند

رسول خدا! شادی و مسرت من بسیار فراوان شد، از آنچه بر من منت

نهادی، آن سنت جاری در آن حضرت از حضرت خضر و ذی القرنین

چیست؟ فرمود:

طُولُ الْغَيْبَةِ يَا أَحْمَدُ!

به درازا کشیده شدن دوران غیبت، ای احمد!

عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا! آیا غیبت آن حضرت خیلی طولانی

می‌شود؟ فرمود:

إِي وَ رَبِّي، حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا
مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ
بِرُوحٍ مِنْهُ!

آری، سوگند به پروردگارم، تا برگردد از این امر بیشتر کسانی که به

آن معتقد بودند.

بر این اعتقاد باقی نمی‌ماند به جز:

(۱) کسی که خداوند عز و جل از او برای ولایت ما تعهد گرفته باشد؛

(۲) و ایمان را در دلش نوشته باشد؛

(۳) و او را با روحی از خود تأیید فرموده باشد.

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ
غَيْبِ اللَّهِ، فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَ اكْتُمَهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا غَدًا
فِي عَلِيِّينَ؛

ای احمد بن اسحاق! این امری از اوامر خدا، رازی از رازهای خدا و
سری از اسرار خدا می‌باشد.

آنچه را که به تو عطا کردم فراگیر و آن را مخفی بدار و از
سپاسگزاران باش، تا فردای قیامت در اعلیٰ علیّین در کنار ما
باشی. (۱)

شیخ صدوق رحمته الله در پایان می‌نویسد:

من این حدیث را منحصراً از «علی بن عبد الله و راق» شنیدم، که به خط
خود آن را ثبت کرده بود. سپس از او پرسیدم، آن را از سعد بن عبد الله، از
احمد بن اسحاق - رضی الله عنه - روایت نمود، همان گونه که در اینجا
آوردیم. (۲)

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲ - همان، ص ۳۸۵.

بررسی سندی

این حدیث شریف را شیخ صدوق رحمته الله علیه با سه واسطه از محضر مقدس حضرت امام حسن عسکری رحمته الله علیه روایت کرده که هر سه معتبر و مورد اعتماد می‌باشند:

۱- علی بن عبد الله وراق

ایشان از مشایخ شیخ صدوق است که شیخ صدوق به کثرت از او روایت کرده و در حق او طلب مغفرت نموده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

(الف) علل الشرایع، به تعبیر: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. (۱)

(ب) من لا يحضره الفقيه، به تعبیر: وروى علي بن عبد الله الورّاق، رحمه الله. (۲)

(ج) التوحيد، به تعبیر: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، رحمته الله عليه. (۳)

و در موردی از ایشان به همراه: «علی بن احمد بن موسی الدقاق» نام برده، سپس فرموده: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا. (۴)

و در مواردی از ایشان به همراه عده‌ای از مشایخ خود نام برده، سپس فرموده: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. (۵)

۱- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۲۳۵، باب ۱۷۰، حدیث یک؛ ص ۵۲۷، باب ۳۷۳، حدیث یک.

۲- همو، الفقیه، ج ۳، ص ۶۵ ح ۲۱۸.

۳- همو، التوحید، ص ۳۶۰، باب ۵۹، ح ۵ و ۶.

۴- همو، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۹، باب ۳۷، ح ۱.

۵- همان، ص ۳۳۶، باب ۳۳، ح ۹ والنخصال، ج ۲، ص ۶۰۳، ح ۹ والتوحید، ص ۴۰۶، باب ۶۳، ح ۵.

و در مواردی فرموده: رحمهم الله. (۱)

دیگر مواردی که شیخ صدوق رحمته الله از ایشان حدیث نقل کرده بسیار فراوان است. (۲)

شیخ بهایی رحمته الله می نویسد:

گاهی اسامی راویانی در کتب حدیث آمده که در کتب رجالی جرح یا تعدیل نشده‌اند، جز این که بزرگان علمای متقدم به آنها اعتنا کرده، از آنها به کثرت روایت کرده‌اند و بزرگان مشایخ متأخر ما به صحت آن روایات حکم کرده‌اند. همین مقدار برای حصول ظنّ به عدالت آنها کافی می باشد. (۳)

محقق داماد نیز در این رابطه می فرماید:

مشایخ بزرگ ما اساتیدی داشتند که آنها را تکریم می کردند، از آنها به کثرت حدیث نقل می کردند و پس از نام آنها ملتزم بوده‌اند که رضی الله عنه یا رحمه الله بگویند، این‌ها بزرگوار و جلیل القدر هستند و حدیث از ناحیه آنها صحیح و مورد اعتماد می باشد، چه در کتب رجالی به وثاقت و عدالت آنها تصریح شده باشد، یا نشده باشد. (۴)

علامه مامقانی شیخ صدوق را که از آنها به کثرت روایت کرده و به دنبال نام آنها جمله: «رضی الله عنه» آورده، فهرست کرده، سپس بیان میرداماد را نقل فرموده است. (۵)

بر این اساس «علی بن عبد الله وراق» مورد اعتماد و استناد است و

۱- همو، التوحید، ص ۲۴۱، باب ۳۵ ح ۱.

۲- شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۴۵؛ ج ۲، ص ۸۶؛ علل الشرائع: ج ۲، ص ۳۲۲؛ التوحید: ص ۳۶۹؛ معانی الأخبار: ص ۴۲.

۳- شیخ بهایی، مشرق الشمسین، ص ۱۰ (و در ضمن الحبل المتین، ص ۲۷۶).

۴- میرداماد، الرّواشح السماویة، ص ۱۰۷ (چاپ دیگر، ص ۱۷۲).

۵- مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، خاتمه، ص ۹۰، چاپ سنگی.

روایت از ناحیه او صحیح و معتبر می باشد.

اما دیگر راویان حدیث:

۲- سعد بن عبد الله

ابو القاسم، سعد بن عبد الله بن ابي خلف اشعری، از بزرگان محدثان می باشد.

نجاشی پیشوای رجالیون در حق او می نویسد:

شیخ طائفه، فقیه و چهره شاخص طائفه بود. (۱)

شیخ طوسی رحمته الله نیز در حق او می نویسد:

جلیل القدر، واسع الأخبار، كثير التصانيف و ثقة می باشد. (۲)

علامه حلی پس از نقل همان واژگان اضافه می کند:

شیخ طائفه، فقیه و وجیه طائفه بود و با امام عسکری علیه السلام دیدار کرده بود. (۳)

سید ابن طاووس فرموده است:

بر وثاقت، عدالت و فضیلت او اتفاق نظر هست. (۴)

شهید ثانی نیز در این رابطه می نویسد:

در میان اصحاب ما اختلافی در جلالت، وثاقت و وفور علم او نیست. (۵)

۳- احمد بن اسحاق

ابو علی، احمد بن اسحاق بن عبد الله بن سعد بن مالک بن احوص اشعری نیز از چهره های برجسته محدثان بود.

۱- نجاشی، الرجال، ص ۱۷۷ ق رقم ۴۶۷.

۲- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۵، رقم ۳۱۶.

۳- علامه حلی، الخلاصة، ص ۷۸، رقم ۳.

۴- سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۰۲ (چاپ سنگی، ص ۴۲۸).

۵- نه نقل شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۳۸۰.

نجاشی در حق ایشان می نویسد:

از امام جواد و امام هادی علیهما السلام روایت کرده، از خواص اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و وافد قمی ها بود. (۱)

منظور از «وافد قمی ها» این است که از سوی قمی ها، او به محضر ائمه علیهم السلام می رسید و پرسش های قمی ها را وی از امامان علیهم السلام می پرسید و پاسخ های لازم را برای آنها می برد. (۲)

شیخ وسی در حق او می نویسد:

شیخ قمی ها، وافد قمی ها و از اصحاب خاص امام حسن عسکری بود و به محضر حضرت صاحب الزمان مشرف شده بود. (۳)

علامه نیز همان تعبیر را به کار برده، و به وثاقت او تصریح کرده است. (۴)

کشی از ابو محمد رازی روایت کرده که امام هادی علیه السلام گروهی را توثیق نموده که احمد بن اسحاق نیز در میان آنها بود. (۵)

شیخ صدوق، احمد بن اسحاق را در میان وکلاء نام برده است. (۶)

شیخ طبرسی نیز وی را از سفرا و ابواب مشهور بر شمرده است. (۷)

۱- نجاشی، الرجال، ص ۹۱، رقم ۲۲۵. ۲- مامقانی، تنقیح المقال، ج ۵، ص ۳۰۴.

۳- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۳ رقم ۷۸.

۴- علامه حلی، الخلاصة، ص ۱۴، رقم ۶.

۵- شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۷، رقم ۱۰۵۳.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، باب ۴۳، ح ۱۶.

۷- طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۹.

بررسی محتوایی

این حدیث شریف که با سند معتبر از محضر مقدّس امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده، حقایق فراوانی را در بردارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- خالی نبودن زمین از حجّت خدا

در این حدیث تصریح شده که از روزی که حضرت آدم قدم بر فراز کوره خاکی نهاده، هرگز روی زمین خالی از حجّت نبوده و تا روز قیامت هرگز خالی از حجّت نخواهد بود.

این یکی از اعتقادات قطعی ماست و جمله معروف:

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛

اگر یک لحظه حجّت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را

در کام خود فرو می‌برد.

به همین معنی ناظر است.

در این رابطه ده‌ها حدیث از پیشوایان معصوم به ما رسیده که ۱۸ نمونه از آن را در کتاب «او خواهد آمد» آورده‌ایم.^(۱)

شاید برخی تصوّر کنند که در دوران «فترت»، حجّتی در روی زمین نیست، مثلاً بین حضرت عیسی و پیامبر اکرم، که دوران فترت نامیده

۱- نگارنده، او خواهد آمد، ص ۱۷۷-۱۸۷، به نقل از کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ خنّاز، کفایة الأثر، ص ۱۶۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۳۹؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۶؛ قندوزی، ینابیع المودّة، ج ۱، ص ۷۵.

می‌شود، حجّتی در میان مردم نبوده است.

این گمان باطل است و هرگز امکان ندارد یک لحظه روی زمین خالی از حجّت باشد، ولی در آن فاصله چون پیامبر صاحب شریعت نبود، دوران فترت نامیده می‌شود، ولی پیامبران تبلیغی و اوصیای پیامبران پیشین در میان مردم بوده‌اند.

در ایام تولّد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت عبدالمطلب حجّت خدا بود و حضرت ابوطالب وصی او بود. (۱)

حضرت ابوطالب آخرین وصی حضرت ابراهیم علیه السلام بود. (۲)

ودایع نبوت در دست حضرت ابوطالب بود، که بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن‌ها را به پیامبر اکرم تقدیم نمود. (۳)

۲- وسیله دفع بلاها

پیامبر اکرم وائمه هدی علیهم السلام تنها سبب دفع بلا از این امت هستند، احادیث فراوان در این رابطه از پیامبر اکرم روایت شده، که مشهورترین آنها حدیث سفینه است:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَا مَثَلُ كَثْبِي نُوْحٍ اسْت، كِه هِر كَسِ دَرِ آن سَوَارِ شُودِ نَجَاتِ مِي يَابِدِ وَ هِر كَسِ از آن تَخَلَّفِ كَنْدِ هَلَاكِ مِي شُودِ.

علامه میر حامد حسین یکی از مجلّذات «عِبَقَاتِ الْأَنْوَارِ» را به حدیث سفینه اختصاص داده و آن را از ۹۲ منبع معتبر اهل سنت نقل کرده است. در تلخیص و تعریب آن ۶۰ منبع دیگر به آن اضافه شده و جمعاً از ۱۵۲ منبع معتبر اهل سنت روایت شده است. (۴)

۲- علامه امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۵۲۴.

۱- شیخ صدوق، العقائد، ص ۱۱۶.

۴- میلانی، نفحات الأزهار، ج ۴، ص ۲۷-۱۹۶.

۳- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۵.

وجود مقدّس حضرت بقیة الله اروحنا فداه، در گهواره به ابونصر خادم

فرمود:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي؛

من خاتم اوصیا هستم و به وسیله من خداوند بلاها را از خاندان و

شیعیانم دفع می کند. (۱)

۳- وسیله بارش باران

خداوند مَنان فیاض علی الاطلاق است و هر لحظه فیض او به جهان

اضافه می شود. برای رسیدن فیوضات الهی واسطه فیضی لازم است که به

دست او فیوضات الهی به جهانیان برسد.

نزول باران و همه عنایات الهی منحصرأً توسط آن حجّت خدا، که

واسطه فیض حضرت احدیّت هستند، به جهان بشریّت عنایت می شود.

در احادیث فراوان آمده است که خداوند مَنان به برکت این خاندان باران

را نازل می کند. (۲)

۴- وسیله ظهور برکات زمین

بر اساس احادیث فراوان همه برکات زمین به برکت اهل بیت عصمت و

طهارت ظاهر می شود.

در یکی از زیارت‌های مأثور از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيْتِكُمْ؛

اراده پروردگار در مورد مقدرات امور بندگان، بر شما نازل می شود

۱- شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ ج ۱۶، ص ۶۹؛ ج ۲۳، ص ۶؛ ج ۲۶، ص ۲۴۹؛

ج ۲۷، ص ۱۹۸؛ ج ۳۶، ص ۲۳۲؛ ج ۴۴، ص ۲۶۴؛ ج ۵۲، ص ۱۴۵؛ ج ۶۸، ص ۶۱؛ ج ۹۰،

ص ۱۷۰؛ ج ۱۰۰، ص ۳۴۵؛ ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

و از خانه‌های شما صادر می‌گردد. (۱)

در احادیث فراوان آمده است که چون قائم علیه السلام ظهور کند، زمین همه برکاتش را ظاهر می‌سازد.

در حدیثی آمده است:

حَيْثُ تُوْظِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا، فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛

در آن هنگام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و همه برکاتش را بیرون می‌کند، دیگر یکی از شما برای صدقات و مبراتش جا پیدا نمی‌کند، زیرا ثروت همه مؤمنان را فرامی‌گیرد. (۲)

۵- تقوا تنها راه رسیدن

امام عسکری علیه السلام هنگامی که نور دیده‌اش را به احمد بن اسحاق ارائه داد، فرمود:

ای احمد بن اسحاق، اگر تو در نزد خدا و حجّت‌های خدا گرامی نبودی من فرزندم را به تو ارائه نمی‌دادم.

از تعبیر امام علیه السلام به صراحت معلوم می‌شود که هر کس بخواهد نیم رخس از حجّت خدا را ببیند باید خود را در نزد خدا گرامی بدارد.

قرآن کریم راه آن را تقوا معرفی کرده، می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛

به راستی گرامی‌ترین شما در نزد خدا پارساترین شماست. (۳)

و شخص حضرت بقیّة الله مهم‌ترین مانع وصال را گناه معرفی کرده

۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۰، باب ۷۹، ح ۲.

۲- شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴. ۳- سوره حجرات، آیه ۱۳.

می فرماید:

فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

یمن دیدار ما را از آن‌ها باز نمی‌دارد، جز - گناهانی - که از آنها به ما می‌رسد، که ما آن را دوست نداریم و از آنها انتظار نداریم. (۱)

روی این بیان تنها راه رسیدن ترک گناه و تنها مانع راه ارتکاب گناه

می‌باشد.

۶- همنام و هم کنیه پیامبر ﷺ

در احادیث فراوان تصریح شده که نام آن حضرت، همنام پیامبر

اکرم ﷺ و کنیه‌اش هم کنیه آن حضرت می‌باشد.

آیه الله صافی به ۵۴ حدیث از این احادیث استناد کرده است. (۲)

۷- زمین را پر از عدل و داد کند.

بزرگترین شاخصه حضرت مهدی علیه السلام آن است که زمین را آکنده از عدل

و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است.

آیه الله صافی به ۱۴۸ حدیث به این مضمون استناد کرده است. (۳)

همه شیادانی که در طول تاریخ به دروغ ادعای مهدویت کرده‌اند، جز بر

حجم ستم‌ها نیفزوده‌اند، ولی هنگامی که جان جانان، قبله خوبان ظهور

می‌کند، جور و ستم را از روی زمین بر می‌چیند و عدل و داد را در کل جهان

می‌گستراند.

۸- عمر طولانی دارد

حضرت خضر علیه السلام از زمان حضرت موسی علیه السلام زنده است و در روی

۱- طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲- آیه الله صافی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۵.

۳- همان، ص ۲۲۲-۲۲۳.

زمین زندگی می‌کند و اینک در حدود ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می‌گذرد.
 در احادیث فراوان وجود مقدس امام زمان علیه السلام از نظر دیرزیستی و عمر طولانی به حضرت خضر تشبیه شده است.
 جالب توجه و شایان دقت است که در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

خداوند منان فقط از این جهت به حضرت خضر عمر طولانی عطا کرده که برای امکان طول عمر امام زمان علیه السلام به او استدلال شود. (۱)

۹- حکومت جهانی

در طول تاریخ کره زمین تنها چهار نفر بر کل جهان سیطره پیدا کرده‌اند که عبارت بودند از:

(۱) حضرت سلیمان بن داود.

(۲) ذو القرنین.

(۳) نمرود.

(۴) بخت النصر.

که دو تن از آنها مؤمن و دو تن دیگر کافر بودند. (۲)

در آینده نیز حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بر سرتاسر کره زمین سیطره پیدا می‌کند، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی در گستره جهان بنیاد می‌گذارد، پرچم توحید را بر سرتاسر گیتی به اهتزاز در می‌آورد، در کل جهان تنها یک پرچم برافراشته می‌شود و آن پرچم توحید است، در کل جهان تنها یک قانون اساسی رسمیت پیدا می‌کند و آن قرآن کریم است و

۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۱۳۰.

در گستره زمین تنها یک حکومت حکمرانی می‌کند و آن حکومت حقه یوسف زهراست که «دولة الزهراء» نامیده می‌شود.^(۱) و در چیدمان جهانی تنها یک سلیقه اعمال می‌شود و آن سلیقه حضرت فاطمه علیها السلام است که بنیانگذار حکومت جهانی، در توفیق شریف خود می‌فرماید:

وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛

دختر رسول خدا بهترین الگوی من است.^(۲)

۱۰- غیبت طولانی

نوید غیبت و ظهور منجی جهان پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشری دارد، از زمان حضرت آدم ابوالبشر، هر پیامبری که قدم در عرصه حیات نهاده، به امت خود در مورد منجی جهان و مصلح آخر الزمان بشارت داده است.

نگاهی گذرا به کتاب مقدس و صحف انبیاء که به پیوست عهدین به چاپ رسیده، صدق گفتار ما را اثبات می‌کند.

مزامیر حضرت داود علیه السلام که به پیوست عهد قدیم چاپ شده ۱۵۰ فصل است، در ۵۳ فصل آن از منجی جهان و مصلح دوران سخن رفته است.

صدها حدیث معتبر از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیرامون غیبت و ظهور آن حضرت رسیده است.

دکتر عبد العظیم عبد العظیم البستوی، از چهره‌های برجسته وهابیت، مقیم مکه معظمه، «موسوعة احادیث المهدي» را در دو جلد تنظیم کرده، در جلد اول فقط احادیث صحیح را آورده، که تعداد آن‌ها یکصد حدیث

۱- میرجهانی، الدرر المكنونة، ص ۱۹۰.

۲- شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵.

می‌باشد، و هر حدیثی را بررسی سندی کرده است، در جلد دوم ۲۹۲ حدیث آورده که در سند آنها تردید نموده است. (۱)

تعداد احادیث پیرامون غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام به قدری بالاست که یک شخصیت معروف سعودی، یکصد از آنها را خالی از هر نقص و ایراد تشخیص داده، بر صحت سند آنها تأکید کرده است و همه آنها از منابع اهل سنت و از طریق آنها می‌باشد.

تأکید رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر غیبت حضرت مهدی علیه السلام در حدی است که پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام ده‌ها کتاب به نام: «الغیبة» در مورد غیبت آن حضرت تألیف شده است، که از آن جمله است:

۱- کتاب الغیبة، از ابو اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام. (۲)

۲- کتاب الغیبة، از ابو الفضل عباس بن هاشم ناشری، از اصحاب امام رضا علیه السلام. (۳)

۳- کتاب الغیبة، از علی بن حسن بن علی بن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام. (۴)

۴- کتاب الغیبة، از ابو الحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام. (۵)

۵- کتاب الغیبة، از ابو الحسن علی بن محمد سواق، معاصر امام

۱- چاپ المكتبة المکیة، مکه معظمه، ۱۴۲۰ ق.

۲- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۰. ۳- نجاشی، الرجال، ص ۲۸۰.

۴- شیخ طوسی، الرجال، ص ۴۱۹؛ نجاشی، الرجال، ص ۲۵۷.

۵- همو، ص ۳۵۷؛ نجاشی، الرجال، ص ۲۵۵.

رضا علیه السلام (۱)

۶- کتاب الغیبة، از ابو الحسن علی بن عمر اعرج، معاصر امام

رضا علیه السلام (۲)

۷- کتاب الغیبة، از ابو علی حسن محمد بن سماعه، از اصحاب امام

کاظم علیه السلام (۳)

۸- کتاب الغیبة، از حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام

کاظم علیه السلام (۴)

و ده‌ها اثر دیگری که دیگر اصحاب ائمه علیهم السلام پیرامون حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «الغیبة» تألیف کرده‌اند و گزارش آن‌ها در کتب رجال و تراجم به ما رسیده است.

جالب توجه است که تاریخ تألیف برخی از آنها بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، مانند کتاب انماطی از اصحاب امام باقر علیه السلام (۵).

برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام گفته‌اند که: پس از غیبت امام عصر علیه السلام، احادیث غیبت مطرح شده!! در حالی که ده‌ها کتاب در این زمینه پیش از میلاد مسعود آن حضرت تألیف شده، که به چند نمونه از آن‌ها اشاره کردیم.

برخی دیگر از معاندان گفته‌اند که در طول غیبت صغری فقط از یک غیبت سخن می‌رفت، چون غیبت صغری به پایان رسید و چهارمین سفیر

۱- نجاشی، الرجال، ص ۲۵۹. ۲- همان، ص ۲۵۶.

۳- شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۴۸؛ همو، الفهرست، ص ۸۱.

۴- همان، ص ۳۵۳.

۵- همو، الفهرست، ص ۵۰؛ نجاشی، الرجال، ص ۳۲.

حضرت درگذشت و کسی را به عنوان جانشین خود تعیین نکرد، صحبت از دو غیبت به میان آمد!!

و این تحریف تاریخ است، اینک برای اثبات دروغ بودن این سخن به کتاب شریف اصول کافی مراجعه می‌کنیم، که مؤلف، آن در زمان غیبت صغری درگذشته و احادیث مربوط به دو غیبت را در آن با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

(۱) لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ، يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، در یکی از آنها همه ساله در موسم حج شرکت می‌کند، او مردمان را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند. (۱)

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْآخَرَى طَوِيلَةٌ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی. (۲)

(۳) لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ، وَالْآخَرَى يُقَالُ: هَلَكَ، فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است، در یکی از آنها به خاندانش مراجعه می‌کند، در دیگری گفته می‌شود: هلاک شده، یا به کجا رفته است؟! (۳)

همه دوست و دشمن می‌داند که کتاب شریف کافی بعد از قرآن کریم معتبرترین کتاب حدیثی ما می‌باشد و نسخه‌های این کتاب در تمام دنیا شایع است، و انتساب این کتاب به مؤلفش قطعی می‌باشد و تاریخ وفات او

۱- کلینی، الکافی، ح ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۲. ۲- همان، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۳- همان، ح ۲۰.

پیش از وفات علی بن محمد سمري (۳۲۹ق) است.

وجود این سه حدیث در کتاب کافی به تعبیر «غیبتان» برهان قاطع و دلیل روشنی است بر این که دشمنان اهل بیت از جعل و تزویر و دروغ به هیچ وجه پرهیز ندارند.

جالب توجه است که پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام به هنگام سخن گفتن از غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام؛ با یک بیان قاطع، شفاف، روشن و استوار سخن گفته‌اند.

مثلاً در حدیث امام عسکری که محور بحث ما می‌باشد، آمده است:

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً؛

به خدا سوگند، بی‌گمان، البتّه البتّه، غایب می‌شود، یک غایب شدنی که... (۱)

در این جمله کوتاه چندین ادات تأکید به کار رفته، که از آن جمله است:

(۱) با جمله اسمیه آمده است.

(۲) با واو قسم آمده.

(۳) لام تأکید در پاسخ قسم آمده

(۴) با نون تأکید ثقلیه مؤکد شده.

ائمه علیهم السلام از فصیحای تاریخ و از بلیغان روزگار بودند و سخن آنها همواره در حدّ اعلای بلاغت بود. استفاده از این همه ادوات تأکید در جایی که ضرورت نداشته باشد، عبث به شمار می‌آید و بر بلاغت آنها لطمه می‌زند.

جالب توجه است که به کار بردن این همه ابزار تأکید منحصر به امام

عسکری علیه السلام نمی باشد، بلکه همه پیشوایان در مورد بیان غیبت آن حضرت، از چنین ادبیاتی استفاده کرده اند و چنین ادوات تأکید را استخدام نموده اند، از جمله:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَيَغَيَّبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعَهُودٍ إِلَيْهِ
مِنِّي؛

سوگند به خداوندی که مرا به حق بشارت دهنده برانگیخته، قائم از فرزندان من، البته البته غایب می شود، با یک پیمانی که از من به او مقرر شده است. (۱)

در اینجا نیز رسول گرامی اسلام با آوردن:

۱- جمله اسمیه، ۲- واو قسم، ۳- لام تأکید، ۴- نون تأکید ثقیله همانند ادبیات امام عسکری علیه السلام را به کار برده است.

۲- مولای متقیان در همین رابطه فرمود:

أَمَّا لَيَغَيَّبَنَّ حَتَّى يَقُولُ الْجَاهِلُ: مَا لَلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؛

آگاه باشید که وی آن چنان غایب می شود که افراد نادان بگویند: خداوند هیچ نیازی به آل محمد ندارد. (۲)

در اینجا نیز «أما» تحریمی، جمله اسمیه، لام تأکید و نون تأکید ثقیله به کار رفته است.

۳- امام صادق علیه السلام در همین زمینه فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَيَغَيَّبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ؛

۱- مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۹.

۲- همان، ص ۱۱۹، ح ۱۹.

آگاه باشید، به خدا سوگند، البتَّه البتَّه امام شما سالیان درازی غایب خواهد شد. (۱)

در این حدیث نیز واو قسم، لام تأکید، نون تأکید ثقیله، جمله اسمیه، و «أما تحریضیه» به کار رفته است.

۱۱- هلاکت

در احادیث فراوان از حیرت و سردرگمی شیعیان در عصر غیبت سخن رفته است:

(۱) مولای متقیان می‌فرماید:

تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ، يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ؛

برای او دوران غیبت و حیرت است که گروهی در آن گمراه می‌شوند و گروه دیگر هدایت می‌یابند. (۲)

(۲) امام صادق عليه السلام در همین رابطه فرمود:

لَتَكْفَأَنَّ كَمَا تَكْفَأُ السُّفُنُ بِأَمْوَاجِ الْبَحْرِ؛

به خدا سوگند متلاطم می‌شوید، همان گونه که کشتی‌ها به وسیله امواج دریا دچار تلاطم می‌شوند. (۳)

و در ادامه فرمود:

دوازده پرچم مشابه همدیگر به اهتزاز در می‌آید، که معلوم نمی‌شود، که کدام یک کدامین است.

مفضل بن عمر راوی حدیث می‌گوید: من به شدت گریستم و عرض کردم: پس در آن زمان چه کنیم؟

۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۷، باب ۳۳ ح ۳۵.

۲- شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۳۶، ح ۲۸۲.

۳- همان، ص ۳۳۸، ح ۲۸۵.

از روزنه آفتاب در داخل اطاق می تابید، امام صادق علیه السلام نگاهی به آن کردند و فرمودند: این آفتاب را می بینی؟ گفتم: آری. فرمود:

به خدا سوگند، امر ما از این خورشید روشن تر است. ^(۱)

(۳) امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری فرمود:

سوگند به خداوندی که رسولش را به حق برانگیخت، حتماً آزموده خواهید شد، حتماً غربال خواهید شد، در این غربال شدن ها افرادی بالا می آیند که در زیر بودند، افرادی پایین می آیند که در بالا بودند، افرادی جلو می افتند که عقب مانده بودند و افرادی عقب می مانند که جلو افتاده بودند. ^(۲)

(۴) امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی از طوفان حضرت نوح سخن گفته، زمان پیش از ظهور را به مردمان عصر نوح تشبیه کرده، در پایان می فرمایند:

وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ، فَإِنَّهُ تَمَّتْ غَيْبَتُهُ، لِيُضْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَ يَصْفُوَ
الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ، بِإِرْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طَيْبَتُهُ خَيْبَةً؛

همچنین دوران غیبت قائم علیه السلام به طول می انجامد، تا حق از باطل و ایمان خالص از تیره مشخص گردد، با ارتداد همه کسانی که طینت آنها خبیث بوده است. ^(۳)

(۵) امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث دیگری فرمود:

لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغْرَبَلُوا، وَ سَيَخْرُجُ مِنَ
الْغْرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛

۱- همان. ۲- نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۱، باب ۱۲، ح ۱.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۶، باب ۳۳، ح ۵۳.

به ناگزیر مردم باید آزموده شوند، تا شناخته شوند، غربال گردند و جمع کثیری از غربال خارج می‌شود. (۱)

(۶) در حدیث دیگری فرمود:

به خدا سوگند، همانند شیشه شکسته می‌شوید، به خدا سوگند همانند سفال شکسته می‌شوید، شیشه یکبار دیگر بر می‌گردد و همانند اول می‌شود، ولی سفال هرگز به حالت اولیه بر نمی‌گردد. (۲)

(۷) امام صادق علیه السلام با تعبیرات مختلفی وضع رقت بار شیعیان را در عصر غیبت به تصویر کشیده‌اند، که یک نمونه آن داستان سدید صیرفی است، که با گروهی از شیعیان به محضر رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام مشرف می‌شوند، می‌بینند که امام علیه السلام روی خاک‌ها نشسته، همانند مادر داغ‌فرزند دیده‌گریه می‌کند و خطاب به حضرت بقیة الله می‌فرمایند:

سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، راه تنفس را بر من گرفته، آرامش خاطر را از من سلب کرده است.

چون مقداری آرام می‌شوند، از علت آن پریشانی می‌پرسند، می‌فرماید: امروز در جعفر و جامعه اوضاع آخر الزمان را می‌دیدم، میلاد قائم علیه السلام، طول غیبت، عمر طولانی آزمون سخت شیعیان، پدید آمدن شک و تردید در دل آنان را در اثر طول غیبت و ارتداد آنها را از دین خود، مشاهده کردم و غم‌های عالم بر دلم فروریخت. (۳)

۱۲- مرگ جاهلی

در ده‌ها حدیث آمده است که هر کس امام زمانش را نشناسد، به مرگ

۱- نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۴، باب ۱۲، ح ۶.

۲- همان، ص ۲۰۷، ح ۱۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

جاهلی مرده است. این احادیث از احادیث متواتر از طریق شیعه و سنی می باشد. (۱)

در حدیث بالا از ارتداد و پدیدار شدن شک و تردید سخن رفته است. ابن بابویه، پدر شیخ صدوق، کتاب مستقلى پیرامون حیرت و سردرگمی شیعیان در عصر غیبت نوشته، آن را «الإمامة والتبصرة» نام نهاده است. در این کتاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، أَلْتَمَسُكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ؛
برای صاحب این امر غیبتی است که چنگ زدن به دین در آن زمان،
همانند کردن خار با دست می باشد. (۲)

۱۳- استواری در دین

حوادث تلخ و رویدادهای حادّی فرا راه شیعیان و موالیان اهل بیت است، که از آن ها به «مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ» تعبیر می شود، یعنی فتنه هایی که انسان را از شاهراه حق و حقیقت می لغزانند و در سرراشیمی سقوط قرار می دهد.

برای ثبات قدم و استواری در دین، معرفت کامل به امام زمان علیه السلام شرط است، که امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛

بر امر امامت ثابت نمی ماند جز کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و در مورد آن چه ما حکم می کنیم، حرجی در دلش پیدا

۱- تواتر این حدیث را در کتاب «او خواهد آمد» از محدّثان بزرگ شیعه و سنی نقل کردیم.

۲- ابن بابویه، الإمامة والتبصرة، ص ۱۲۶، ح ۱۲۷.

نکند و در برابر ما اهل بیت کاملاً تسلیم باشد. (۱)

اما کسی که ثابت قدم باشد و در فتنه‌ها نلغزد، پاداش عجیبی دارد که امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ؛

هر کس بر موالات ما استوار باشد، در زمان غیبت قائم علیه السلام، خداوند عز و جل پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عنایت فرماید.

در ده‌ها حدیث از سختی دینداری در عصر غیبت سخن رفته و به پاک کردن خار با دست و نگهداشتن آتش در دست تشبیه شده است.

در این حدیث به یک نکته اشاره شده و آن این است که استواری در دین فقط با عنایت خاص حق تعالی امکان‌پذیر می‌باشد، و لذا فرموده است:

به خدا سوگند، او غایب می‌شود، غیبتی که در آن از هلاکت رهایی نمی‌یابد، جز کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت و استوار نموده باشد. (۲)

اما این که چه کنیم تا خداوند ما را در اعتقاد خود ثابت بدارد، در آخرین فراز از حدیث شریف بیان شده است:

۱۴- دعا برای تعجیل در امر فرج

در این حدیث شریف، امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق می‌فرماید:

در آن زمان غیبت، از هلاکت رهایی نمی‌یابد جز کسی که:

۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴، باب ۳۱ ح ۸

۲- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

(۱) خداوند او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد؛

(۲) خداوند به او توفیق دعا برای تعجیل در امر فرج عنایت فرماید. (۱)

روی این بیان «دعا برای تعجیل در امر فرج» که «تنها ره رهایی» می باشد، آن نیز باید با توفیق حضرت احدیت باشد، اگر خداوند انسان را به حال خود رها کند، آن چنان در فراز و نشیب زندگی راه را گم می کند، که هم خودش را فراموش می کند، هم منشأ این همه بدبختی و سیه روزی را متوجه نمی شود و هم در صدد چاره جویی بر نمی آید.

سرچشمه همه بدبختی ها و حوادث تلخ جهان، غیبت مولا است، همه مشکلات جانکاه و مصائب جانفرسای زندگی از اینجا نشأت می گیرد که دست ما به دامن مولای ما نمی رسد.

تأسف بارتر این که به این نکته نیز توجه نداریم و در نتیجه به فکر چاره جویی نیز نیستیم.

هر کسی که به سعادت جامعه بیندیشد، باید جامعه را به درد و درمان این مصائب رهنمون گردد، وجدان به خواب رفته را بیدار کند، درد و درمان آن را به آنها یادآوری کند و به جامعه انسان ها تفهیم کند که همه مشکلات جهان از غیبت صاحب و مولا نشأت می گیرد و تنها درمان آن این است که دسته جمعی به سوی خداوند روی آورده، از خداوند منان تعجیل در فرج آن حضرت را مسألت نماییم.

اگر دُرّ گران بهایی در یک خانه گم شود، همه اهل خانه بسیج می شوند و در راه پیدا کردن آن دست از پا نمی شناسند، تا گم شده خود را بیابند.

بیش از دوازده قرن است که حجّت و مولای خود را در پشت پرده غیبت

گم کرده‌اند و هرگز در صدد کنار زدن این سدهای آهنین نیستند، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند، ولی در صدد چاره‌جویی بر نمی‌آیند.

یکی از عزیزان سفر کرده، که فانی در عشق و ارادت به حضرت ولی عصر علیه السلام بود، مرحوم حاج مهدی جعفریان، که از هیئت امنای مسجد مقدس جمکران بود، نقل می‌کرد: عصر سه شنبه‌ای از تهران به مقصد مسجد مقدس جمکران به قم آمدیم، پس از زیارت کریمه اهل بیت به مسجد مقدس جمکران مشرف شدیم، پس از انجام اعمال مسجد از جمکران به سوی قم حرکت کردیم.

در اثنای راه سید بزرگواری را دیدیم که پیاده به سوی مسجد در حرکت می‌باشد، ماشین را نگه داشتیم، فلاکس آب را در دست گرفتیم، پس از عرض سلام و ادای احترام عرض کردیم، آب خنکی است، که از تهران آورده‌ایم، اجازه می‌فرمایید به محضرتان تقدیم کنیم.

پس از کسب اجازه لیوان را پر کردیم به خدمتشان تقدیم نمودیم.

عرضه داشتیم که کجا انشاء الله؟

فرمودند: به مسجد جمکران می‌روم.

عرضه داشتیم: برای فرج آقا بقیه الله دعا بفرمایید.

فرمودند: آن وظیفه شیعیان ماست.

این جمله اگر چه صریح بود، ولی همانند همه تشریفات، ذهن ما به آن

منتقل شد.

آنگاه در حالی که نیمی از آب لیوان را میل کرده بودند فرمودند:

شیعیان ما به اندازه این نصف لیوان به ما اعتنا ندارند، اگر روزی در

وسط بیابان به نصف لیوان آب نیاز پیدا کنند، تا به آن دسترسی پیدا

نکرده‌اند، از پای نمی‌نشینند، ولی بیش از ۱۲۰۰ سال است که ما را گم کرده‌اند و به دنبال ما نیستند و در صدد جستجو بر نمی‌آیند. سپس اضافه کردند:

این همه مردم که به مسجد جمکران مشرف می‌شوند، هر کدام به دنبال مشکل خود هستند، یکی مریض دارد، دیگری خانه می‌خواهد، سومی مشکل ازدواج دارد، هر کدام به دنبال مشکل خویش هستند، چند نفر از اینها فقط به خاطر ما می‌آیند؟!

در مشهد مقدس مرد بزرگواری به نام آقای مولوی قندهاری داشتیم، که از وکلای مرحوم آیه الله اصفهانی بود. در غالب تشرّفات خود به مشهد مقدس، به خدمتشان مشرف می‌شدیم و از محضرشان مستفیض می‌گشتیم.

غالباً به ما توصیه می‌کرد، که هر وقت به حرم مشرف می‌شوید، در حرم مطهر فقط برای فرج مولا دعا کنید و چیزی از حوائج خود را بر زبان نیاورید، هنگامی که از حرم بیرون آمدید، به خدمت شیخ حرّ عاملی مشرف شوید و حوائج خود را از ایشان بگیرید.

شیخ حرّ عاملی، صاحب کتاب گرانسنگ «وسائل الشیعة» در صحن مطهر بقعه و ضریح دارد و از محدّثان بزرگ شیعه می‌باشد.

نکته مهمّ در توصیه مرحوم آقای مولوی قندهاری این است که حوائج شما هر چه باشد، افرادی چون شیخ حرّ عاملی می‌توانند آن را برآورده کنند و لذا قدر موقّف را بدانید و وقت خود را در حرم مطهر به این مسائل هزینه نکنید، در حرم مطهر فقط برای تعجیل در امر فرج دعا کنید که حاجت مشترک همه انسان‌ها می‌باشد، که اگر این حاجت برآورده شود،

دیگر حاجتی باقی نخواهد بود، و اگر این حاجت برآورده نشود، بر آورده شدن دیگر حوائج، مشکلی را نخواهد گشود.

از این رهگذر، بر همه ما فرض است که در رأس همه حوائج خود، برای فرج مولا دعا کنیم، که فرج ما نیز در آن نهفته است و تعبیر بسیار ظریف:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید که فرج شما نیز در آن است. (۱)

به آن اشاره دارد.

۱۵- آخرین ذخیره الهی

هنگامی که احمد بن اسحاق، از نشان می‌پرسد، امام علیه السلام که کودکی خردسال بودند، به اذن خداوند می‌فرمایند:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛

ای احمد بن اسحاق! من آخرین حجت خدا در روی زمین هستم.

اولین حجت خدا، حضرت آدم ابو البشر، کلماتی را از خداوند منان تلقی نمود. (۲)

حضرت نوح حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت خاتم الأنبياء علیهم السلام هر کدام کلماتی را از خداوند منان تلقی کردند و به امت‌های خود بیان فرمودند، ولی آیا کلمات الهی پایان یافت؟ نه، هرگز.

به تعبیر قرآن، اگر همه دریاها مرکب شوند و کلمات الهی با این مرکب‌ها نوشته شود، دریاها تمام می‌شود، ولی کلمات الهی پایان نمی‌پذیرد، حتی

۱- شیخ طوسی، الغيبة، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷.

۲- سوره بقره، آیه ۳۷.

اگر این دریاها دو برابر^(۱) یا هفت برابر شود باز هم کلمات الهی پایان پذیر نمی باشد.^(۲)

آن مقدار از کلمات الهی که قابل عرضه بر انسان‌ها می باشد، به تعبیر حدیث شریف ۲۷ حرف می باشد، که دو حرف آن توسط پیامبران بر مردم عرضه شده، و مردم با دانش و بینش خود آن‌ها را تجربه کرده، در مقام عمل از آن‌ها بهره گرفته‌اند، ۲۵ حرف دیگر را حضرت بقیة الله می آورد.^(۳)

بر این اساس $1\frac{2}{3}$ برابر علم موجود توسط آن حضرت بر این دانش موجود افزوده می شود.

«ادیسون» با اختراع برق، یک علم بر هزاران علم موجود افزود، چهره دنیا دگرگون شد.

در زمان ما اختراع کامپیوتر، یک علم بر هزاران علم موجود افزوده شد، چهره جهان به کلی دگرگون گردید.

اگر روزی حضرت بقیة الله بیاید، بر هزاران دانش موجود، نه ۱۰۰٪، نه ۲۰۰٪ بلکه ۱۲۵۰٪ بیفزاید، دیگر چهره جهان برای ما قابل ترسیم نیست.

از این رهگذر هنگامی که علی بن جعفر علیه السلام از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تقاضا می کند که عصر ظهور را برای ایشان ترسیم نماید، می فرماید:

يَا بَنِيَّ! عَقُولُكُمْ تَضَعُفُ عَنْ ذَلِكَ وَ أَحْلَامُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمَلِهِ، وَ لَكِنْ إِنْ تَعِشُوا فَسَوْفَ تُدْرِكُونَهُ؛

پسرم! عقل‌های شما از درک آن ناتوان هستند و افکار شما از تحمل

۱- سوره کهف، آیه ۱۰۹. ۲- سوره لقمان، آیه ۲۷.

۳- قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱

آن عاجزند، اگر زنده بمانید و آن زمان را درک کنید، خواهید فهمید. (۱)

از این حدیث استفاده می‌شود که افکار و اندیشه‌های ما قدرت تصویر آن زمان را ندارند، حتی اگر امام معصوم آن را ترسیم کند، ما نمی‌توانیم به عمق آن برسیم، زیرا الفبای آن را در اختیار نداریم.

مثل ما نسبت به عصر ظهور، مثل یک جنین است نسبت به این دنیا. هنگامی که حضرت بقیة الله تشریف بیاورد، دست کیمیا اثر خود را بر سر بندگان الهی قرار می‌دهد، عقل‌های آنها بالا می‌رود و قدرت دریافت آن دانش برتر را پیدا می‌کنند. (۲)

هرکس به پیشرفت علم و تکنولوژی علاقه‌مند است، باید شب و روز برای تعجیل در امر فرج دعا کند.

۱۶ - منتقم خون مظلومان در راستای تاریخ

بدون تردید حضرت مهدی علیه السلام خون مظلومان در راستای تاریخ را می‌گیرد، ولی از چه کسی؟ از فرزندان؟! از هواداران؟! از مسلمات اعتقادی ما این است که:

﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾

هرگز کسی بار دیگری را بر دوش نمی‌کشد. (۳)

اگر یزید امام حسین علیه السلام را به شهادت رسانیده، نسل و تبار او چه گناهی کرده‌اند؟!

پسر یزید بودن که جرم نیست، چنانکه محمد بن ابی بکر یکی از

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲ - کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵ ح ۲۱.

۳ - سوره انعام، آیه ۱۶۴؛ سوره اسراء، آیه ۱۵؛ سوره فاطر، آیه ۱۸؛ سوره زمر، آیه ۷.

چهره‌های برجسته در تاریخ تشیع و از بهترین یاران مولای متقیان می‌باشد و پسر ابوبکر بودن برای او جرم نمی‌باشد.

اینجا به بحث طولانی نیاز هست که صفحات محدود این نوشتار این اجازه را به ما نمی‌دهد، در کتاب «سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام» به تفصیل در این رابطه سخن گفته‌ایم.

بر اساس روایات فراوان حُمیرا زنده می‌شود و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء انتقام مادرش حضرت زهرا علیها السلام را از او می‌گیرد. (۱)

قَنُود و مولای قنفذ زنده می‌شوند و انتقام خون حضرت محسن علیه السلام از آن‌ها گرفته می‌شود. (۲)

قتله کربلا زنده می‌شوند و انتقام خون سالار شهیدان علیه السلام و دیگر شهیدان دشت کربلا از آن‌ها گرفته می‌شود. (۳)

خدا را به عظمت حضرت زهرا علیها السلام قسم می‌دهیم که از بقیة دوران غیبت صرف نظر بفرماید و در ظهور منتقم خون محسن زهرا و علی اصغر کربلا علیه السلام تعجیل بفرماید.

۱۷- ارتداد حدّ اکثری

در این فراز به ارتداد بیشتر قائلین به امامت آن حضرت اشاره شده، که در فرازهای یازدهم تا چهاردهم به آن اشاره شد.

۱۸- پیمان الهی

در آیه ۱۲۴ از سوره بقره از «امامت» به عنوان پیمان الهی تعبیر شده، آنجا که فرموده:

۱- سید هاشم بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۶۰۵، چاپ سنگی.

۲- همان، ص ۵۹۸. ۳- عیاشی، التفسیر، ج ۳، ص ۳۹.

«لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛

پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.

جالب توجه است که در تورات نیز از امامت به عنوان عهد و پیمان الهی تعبیر شده است. (۱)

در فرازی از حدیث بالا آمده است:

بر عهد امامت باقی نمی‌ماند جز کسی که خداوند مَنان از او برای ولایت ما پیمان گرفته باشد. (۲)

۱۹- ایمان راسخ

در احادیث فراوان ایمان به دو قسم تقسیم شده است:

(۱) ایمان استوار

(۲) ایمان عاریتی

ایمان «مُسْتَقَرٌّ» ایمانی است که راسخ و استوار باشد، ولی ایمان «مُسْتَوْدَعٌ» ایمان عاریتی است که به انسان عطا می‌شود، ولی در کشاکش روزگار از او گرفته می‌شود. (۳)

در فراز بالا آمده است که:

وَكُتِبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانُ؛

ایمان را خداوند در دلش نوشته باشد. (۴)

آری ایمان راسخ نیز به توفیق الهی خواهد بود، باید هر لحظه از خداوند بخواهیم که ایمان ما ثابت و استوار باشد.

۱- کتاب مقدس، عهد قدیم، سفر پیدایش، باب ۱۷، فراز ۲۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۵۹.

۴- شیخ صدوق، همان.

۲۰- تأییدات ربّانی

در آخرین فراز از حدیث مورد بحث، تأکید شده که همه این‌ها منحصرأ با توفیق و تأیید الهی امکان‌پذیر می‌باشد و لذا فرموده است:

بر امر امامت باقی نمی‌ماند، جز کسی که خداوند از او بر ولایت ما پیمان گرفته باشد، ایمان را در دلش نوشته باشد و او را با روحی از خود مؤید کرده باشد. (۱)

این بود فشرده‌ای از مطالب لازم پیرامون فرازهای حدیث مورد بحث. و اینک از همه آن‌ها نتیجه می‌گیریم که در عصر غیبت تنها ره‌رهایی از فتنه‌های آخر الزّمان، دعا برای تعجیل در امر فرج می‌باشد. این دعا باید با تأیید ربّانی و توفیقات الهی همراه باشد، از ایمان راسخ سرچشمه بگیرد، از اعماق دل و احساس اضطرار و درک عمق فاجعه همراه باشد.

و اینک به چند نکته در این زمینه اشاره می‌کنیم:

دعا برای فرج

۱. دعا برای فرج واجب عینی است

آیه الله سید محمد تقی موسوی احمد آباد، مشهور به صاحب مکیال در کتاب شریف «مکیال المکارم» در مورد همگانی بودن دعا برای تعجیل در امر فرج می‌نویسد:

بر همه اهل ایمان لازم است که به این امر اهتمام کنند و در هر زمان و مکان به آن مواظبت کنند.

آنگاه برای اثبات وجوب عینی آن به یک رؤیای صادقه از امام حسن مجتبی علیه السلام استشهاد می‌کنند که متن آن چنین است:

آنچه در این جا شایسته است گفته شود و مؤید مطالب ما هست، چیزی است که برادر ایمانی ما، که مؤید به تأییدات سبحانی است یعنی: آغا میرزا محمد باقر اصفهانی^(۱) که خداوند بر علو او بیفزاید و آنچه در این ایام می‌خواهد به او عطا فرماید، گفت:

شبی از شب‌ها، امام همام، مولای انام، بدر تمام، حجّت خدا بر آنچه بر فراز این زمین است، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را در عالم رؤیا دیدم، پس چیزی به این مضمون فرمود:

۱ - مرحوم حاج میرزا محمد باقر فقیه ایمانی، از علمای ارزشمند اصفهان، متوفای ۱۳۷۱ ق. صاحب قریب ۹۰ جلد کتاب ارزشمند، که ۲۸ عنوان از آنها در عرصه مهدویت می‌باشد و تعدادی از آنها به طبع رسیده است، نزدیک‌ترین دوست صاحب مکیال بود و رؤیای حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را صاحب مکیال از ایشان روایت کرده است. فرزندش: حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی از حسنات عصر و فضلالی ارزشمند زمان می‌باشد.

بر فراز منبرها، مردم را وادار به توبه کنید و آنها را فرمان بدهید که برای فرج حضرت حجّت علیه السلام دعا کنند و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت را از خداوند بخواهند.

دعا برای فرج مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن یک عده از دیگران ساقط شود، بلکه همانند نمازهای یومیّه است، که بر هر فردی از افراد مکلفین واجب است که آن را انجام دهند. (۱)

۲. دعا برای تعجیل در فرج در هر لحظه و در همه جا لازم است.

مرحوم کلینی در مورد دعای فرج با سلسله اسنادش از صالحان علیهم السلام روایت کرده که در مورد دعای فرج فرمودند:

این دعا را در شب بیست و سه ماه رمضان، در حال سجده، در حال قیام، در حال جلوس، در هر حالی، در کلّ ماه رمضان و در طول عمر، در هر جایی و در هر زمانی که میسر گردد، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيَا
وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا [وَ عَيْنًا] حَتَّى تُسَكِّنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۲)

۳. دعا برای تعجیل در امر فرج باید تداوم داشته باشد.

شیخ صدوق رحمته الله با سلسله اسنادش از زرارة بن أعین روایت می کند که پس از بیان امام صادق علیه السلام پیرامون حوادث تلخ دوران غیبت و آزمون شدید شیعیان، به محضر مقدّس آن جناب عرضه داشت:

۱- موسوی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۲۹، ح ۸۸۲
۲- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۲، کتاب الصیام، باب الدّعاء فی العشر الأواخر، ح ۴.

جانم به فدایت، اگر من چنین زمانی را درک کنم، چه عملی را انجام دهم؟ حضرت فرمود:

يَا زُرَّارَةُ إِنَّ أَدْرَكَتَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَدِمِ هَذَا الدُّعَاءَ:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ
حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ
عَنْ دِينِي.

پس دعای معرفت را آموزش داد. (۱)

۴. آسان‌ترین راه برای جلب عنایت مولا

نزدیک‌ترین، آسان‌ترین و مطمئن‌ترین راه، برای جلب نظر مولا دعا برای فرج آن حضرت می‌باشد.

در اصفهان مردی به نام «عبد الرحمان» بود، که به امامت حضرت امام هادی علیه السلام معتقد بود. از او سبب شیعه شدنش را پرسیدند، گفت: از امام هادی علیه السلام کرامتی دیدم که مرا به امامت آن حضرت معتقد نمود و اینک متن داستان:

من شخص فقیر، ولی زبان‌داری بودم. گروهی از اصفهان برای تظلم به متوکل عازم سامرا بودند، مرا به همراه خود بردند که سخنگوی آن‌ها باشم. روزی ما در اطراف کاخ متوکل بودیم که فرمان به احضار امام هادی علیه السلام صادر شد. از اهالی سامرا پرسیدم که امام هادی علیه السلام کیست؟ گفتند: او علی بن محمد بن امام رضا علیه السلام مردی از علویان است که شیعیان به امامت او معتقد هستند، به نظر می‌رسد که او را متوکل احضار کرده که به قتل برساند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۳، باب ۳۳، ح ۲۴.

تصمیم گرفتم که از آنجا دور نشوم، تا امام هادی علیه السلام را ببینم و از عاقبت کار او آگاه شوم.

پس او را دیدم که بر اسبی سوار است، مردمان در دو طرف جاده صف کشیده‌اند، به او تماشا می‌کنند، چون چشمم به جمالش افتاد، محبت او در دلم قرار گرفت، شروع کردم برای او دعا کردن و از خدا خواستن که شر متوکل را از او دور بگرداند.

امام هادی علیه السلام در میان دو صف حرکت می‌کرد، به چپ و راست نگاه نمی‌کرد، فقط به یال مرکب خود می‌نگریست.

من تمام این مدت برای سلامتی اش دعا می‌کردم.

هنگامی که به مقابل من رسید، با تمام چهره به من نگاه کرد و فرمود:

إِسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَكَ، وَ طَوَّلَ عُمُرَكَ وَ كَثَّرَ مَالَكَ وَ وُلْدَكَ؛

خداوند دعایت را مستجاب کرد، به تو عمر طولانی عطا فرمود، اموال و اولادت را فراوان نمود.

از هیبت و وقارش بر خود لرزیدم و در میان دوستانم بر زمین افتادم.

پرسیدند: چه شد؟ چرا به این حال افتادی؟! چیزی نگفتم، گفتم: ان شاء الله خیر است.

به اصفهان بازگشتیم، خداوند درهای کرمش را، به برکت دعای آن حضرت، به رویم گشود، امروز چون در خانه‌ام را می‌بینم هزار هزار درهم ثروت در خانه دارم، علاوه بر اموالی که در بیرون از خانه دارم، خداوند ده فرزند به من عطا فرموده و بیش از هفتاد سال عمر کرده‌ام و معتقد به امامت آن حضرت می‌باشم، که از درون قلب من خبر داد و خداوند دعایش را در

حقّ من مستجاب نمود. (۱)

این شخص که از مقام و عظمت امام هادی علیه السلام خبر نداشت، فقط نگران سلامتی آن حضرت شده، برای سلامتی آن حضرت دعا کرده، امام علیه السلام برای او دعا کرده و خداوند منان چنین برکتی به عمر و ثروت و فرزندانش عنایت فرموده است.

اگر ما نیز بخواهیم که یوسف زهرا، گوشه چشمی به ما کند، باید شب و روز برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کنیم، تا به این وسیله لطف و کرم و عنایت آن حضرت به طرف ما معطوف شود.
از امام صادق علیه السلام پرسیدند:

چرا به هنگام یاد کردن حضرت مهدی علیه السلام با لقب «قائم» بر می خیزیم؟
در پاسخ فرمود:

زیرا برای آن حضرت یک غیبت طولانی هست و این لقب به قیام و تشکیل حکومت آن حضرت اشعار دارد، به جهت شدت رأفت به دوستان و حسرت غربت، به هر کسی که آن حضرت را با این لقب یاد می کند، نظر لطف و مرحمت می فرماید.

شایسته است هنگامی که این لقب برده شد، بنده خاضع در مقابل مولا برخیزد، چون مولای جلیل با چشم لطف و محبت به سوی او می نگرد.
پس برخیزد و از خداوند منان تعجیل در فرج آن حضرت را مسألت نماید. (۲)

اگر یوسف زهرا فقط با بردن نام نامی و لقب گرامی «قائم» به آن شخص

۱- راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۳۹۲، باب ۱۱، ح ۱.

۲- آیه الله صافی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۲۶، ح ۱۲۴۴.

نظر لطف و مرحمت نماید، بسیار ظاهر و آشکار است که به فردی که برای فرج آن حضرت دعا کند، چه نظر و لطف و مرحمتی خواهد داشت.

روی این بیان، دعا برای فرج نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین وسیله برای جلب عنایت آن حضرت می‌باشد.

از این رهگذر هنگامی که دعبیل خزاعی در اشعار معروف خود از قیام شکوهمند آن حضرت سخن گفت، امام رضا علیه السلام برخاستند، دست مبارک خود را بر سر نهاده، در مقابل نام آن حضرت احترام کردند و برای فرج آن حضرت دعا فرمودند. (۱)

جالب توجه است که امام صادق علیه السلام بیش از یک قرن پیش از میلاد آن حضرت و امام رضا علیه السلام بیش از نیم قرن پیش از تولد آن حضرت چنین تعظیم و تکریم نمودند و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا فرمودند.

پس ما که در دریای متلاطم عصر غیبت فرورفته‌ایم و امواج سهمگین فتنه‌ها را بر شانه‌های خود احساس می‌کنیم، چگونه برای تعجیل در امر فرج تضرع نکنیم؟!

اوقات استجاب دعا

در همه لحظات عمر شایسته است که انسان برای صاحب عصر و زمان دعا کند، ولی در برخی از اوقات تأکید بیشتری شده و از معصومین علیهم‌السلام برای آن ساعات دعاهاى خاصى رسیده است، که به برخی از آنها فقط اشاره می‌کنیم:

۱- به دنبال هر نماز واجب

شیخ صدوق رحمته‌الله روایت کرده که پس از هر نماز واجب گفته شود:

رَضِيْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ
مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ
بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أئِمَّةً.

اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ
شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ اَمُدَّهُ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ
الْمُتَّصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ
وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ
عَيْنُهُ وَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

بارالها! ولی و حجت خود را از رو به رو، از پشت سر، از چپ و راست،
از بالای سر و پایین پایش محافظت بفرما.

خدایا! عمرش را طولانی بگردان، او را قیام کننده به فرمان تو و یاری
دهنده به دین تو قرار بده.

خدایا! آنچه را که دوست می دارد و دیدگانش با آن روشن می شود، در مورد خودش، ذریه اش، خانواده اش، اموالش، شیعیان و دشمنانش عنایت بفرما.

دشمنانش را از آنچه می هراسند بر سرشان فرود آور، و به آن حضرت در مورد دشمنانش آنچه دوست دارد و با آن دیدگان ولی ات روشن می شود بنمایان، دل های ما و دل های مؤمنان را تشفی عنایت بفرما. (۱)

۲- بعد از نماز عصر

محمد بن بشیر از دی دعای مفصلی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که بعد از نماز عصر می خواند، (۲) در فرازی از آن آمده است:

وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزُ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛

۱- شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۵۹.
 ۲- أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنَقْضَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بغير مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ، وَالْإِتِّكَ الْبُدْءُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقَ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقَ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاثُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، غَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَانُ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُخَيِّ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ.
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزُ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و این که در فرج منتقم خود از دشمنانت تعجیل فرموده، آنچه را به او وعده داده‌ای به انجام برسانی، ای صاحب جلال و کرم.

راوی پرسید: این دعا در حق کیست؟ امام کاظم علیه السلام فرمود:

ذَلِكَ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

او همان مهدی آل محمد علیه السلام می باشد.

آن گاه فصلی در اوصاف کریمه و علایم ظهور حضرتش سخن گفت. ^(۱)

۳. بعد از نماز شب

شیخ طوسی رحمته الله دعای مفصلی نقل کرده که مستحب است بعد از دو رکعت نخستین نماز شب خوانده شود. در فرازی از آن آمده است:

وَ أَنْ تُعَجَّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ تُعَجَّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ؛

و این که در فرج ولی خود و فرزند ولی خود تعجیل فرمایی و در خواری و ذلت دشمنانش تعجیل نمایی. ^(۲)

۴. بعد از نماز جعفر طیار

دعای بسیار مفصلی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به دنبال نماز جعفر طیار روایت شده که در فرازی از آن آمده است:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْارِكَ فِي عِبَادِكَ، الدَّاعِي
إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الْمُؤَدِّي عَنِ رَسُولِكَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.
اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَانْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، وَسُقِ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ، وَأَنْصُرْهُ
وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَجَدِّدْ بِهِ عِزَّ مُحَمَّدٍ
وَ أَهْلِ بَيْتِهِ...؛**

۱- سید ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۰۰.

۲- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۱۴۰.

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و بر مشعل فروزانت در میان بندگان، که به اذن تو به سویت فرامی خواند و به فرمان تو قیام می کند، از سوی رسول تو ابلاغ رسالت می نماید.

خدایا! چون او را ظاهر کردی، وعده هایت را به انجام برسان، یارانش را به سوی او گسیل بدار، او را یاری کن و یارانش را نیرومند بگردان، او را به برترین آرزوهایش برسان، خواسته هایش را اجابت فرما و به وسیله او مجد و عظمت پیامبر اکرم و خاندانش را تجدید بفرما. (۱)

۵. در قنوت های نماز

شهید اول از وجود مقدس مولای متقیان روایت کرده که در فرازی از

قنوت های خود می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ
عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ
بِعَدْلِ تَظْهِرُهُ، وَإِمَامِ حَقِّ نَعْرِفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

بار خدایا! ما به تو شکایت می کنیم که پیامبر ما از دست ما رفته و امام ما در دسترس ما قرار نگرفته است.

ما به تو شکایت می کنیم از کمی عدد ما، از کثرت دشمنان ما، از صف آرای دشمنان در برابر ما و از سرازیر شدن فتنه ها به سوی ما.

بار خدایا! این مصیبت بزرگ را از ما بزدای، با عدالتی که می گسترانی و امام حقی که ما او را می شناسیم. ای خدای حق، آمین، ای پروردگار جهانیان. (۲)

۱- سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۹۰.

۲- شهید اول، ذکر، ص ۱۸۴.

با توجه به شهادت مولای متقیان در سال چهل هجری و ولادت امام عصر علیه السلام در سال دویست و پنجاه و پنج هجری، معلوم می‌شود که امیر مؤمنان علیه السلام بیش از دویست و پانزده سال پیش از ولادت امام زمان در فراق آن حضرت چنین سوز و گدازی دارد، پس شیعیان مبتلا به درد فراق و گرفتار در امواج فتنه‌ها و آماج تیرهای دشمنان، در تمام اوقات شبانه روزی، به ویژه در قنوت‌های نماز چگونه تضرع نموده، دست‌نیاز به سوی پروردگار دراز نموده، از حوادث جانکاه روزگار شکایت کرده، رفع اضطرار از جهان خلقت را با امضای فرج آن حضرت مسألت نمایند.

آنگاه شهید از امام صادق و امام باقر علیهما السلام روایت کرده که این قنوت امیر مؤمنان علیه السلام را در قنوت‌های نمازها، به ویژه در روزهای جمعه بخوانند. ^(۱)

۶. قنوت روز جمعه

سید ابن طاووس همین قنوت را با اندک تفاوتی با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام برای قنوت نماز عصر روز جمعه روایت کرده است. ^(۲)

۷. بامدادان

رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام دعای عهد را برای بامدادان انشاء کرده و فرموده است:

هر کس چهل بامداد به قرائت آن مداومت کند، از یاران قائم مات علیهم السلام می‌شود و اگر پیش از ظهور آن حضرت وفات کند، خداوند او را از قبرش بیرون می‌آورد - رجعت می‌کند - .

در فرازی از دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَانْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ

مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنَهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي
مَحَبَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ،
وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ؛

خدایا! آن طلعت رشید و پیشانی ستوده را به من بنمایان، دیدگانم را
با یک نگاه به سوی او مزین بفرما، در فرجش تعجیل نما، و راهش را
فراخ بگردان، مراد در راه او وارد کن، فرمانش را نافذ و توانش را
مستحکم کن، زمین را توسط او آباد نما و بندگانت را به دست او زنده
بگردان. (۱)

۸. در پگاه جمعه

روز جمعه به آن حضرت اختصاص دارد و لذا بامداد جمعه اهمیت ویژه
دارد، که منتظران ظهور و عاشقان کویش بامدادان جمعه را به دعای ندبه
اختصاص داده، با شرکت در جلسات ندبه، نغمه‌های:

أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ؛

کجاست عزت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان؟

را در فضای شهرها به طنین می‌آورند.

۹. عصر جمعه

شیخ طوسی و سید ابن طاووس دعایی را برای عصر روز جمعه نقل
کرده‌اند، که به صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی مشهور است.
این صلوات در مکه معظمه به صورت مکتوب از محضر حضرت ولی
عصر علیه السلام به ضراب اصفهانی رسیده است.

محدث قمی از سید بن طاووس نقل کرده که فرموده است:

این صلوات مروی از مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه است، و اگر ترک کردی تعقیب عصر جمعه را به جهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز، به جهت امری که مطلع کرده ما را خداوند جل جلاله به آن. (۱)

متن کامل این صلوات را شیخ طوسی در مصباح و غیبت نقل فرموده، در فرازی از آن آمده است:

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ، الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي
إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ،
وَشَاهِدِكَ عَلَىٰ عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ؛

بار الها! درود بفرست بر ولی خود، که زنده کننده سنت تو، قیام کننده به فرمان تو، دعوت کننده و راهنما به سوی تو، حجت تو در میان بندگان، جانشین تو در روی زمین و گواه تو بر بندگان می باشد.

خدایا نصرتش را گرامی، عمرش را طولانی و زمین را با طول عمرش مزین فرما. (۲)

۱۰. شامگاهان

ساعات روز را به دوازده ساعت تقسیم کرده، به دوازده امام علیهم السلام اختصاص داده اند. آخرین ساعت روز، که از هنگام به زردی گراییدن آفتاب تا غروب آن می باشد به حضرت صاحب الزمان علیه السلام اختصاص دارد. (۳)

شایسته است که آن ساعت را به دعا برای فراج اختصاص بدهند.

۱- محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه.

۲- شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۷۹ و مصباح المتعجد، ص ۴۰۸.

۳- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۵۱۷.

۱۱. شام جمعه

آخرین ساعت روز جمعه تعلق بیشتری به آن حضرت دارد و دعای سمات از ناحیه مقدسه برای آن ساعت، شرف صدور یافته است. (۱)
 اختصاص دادن شب‌های شنبه به زیارت آل یاسین سنت حسنه‌ای که سال‌هاست در شهرهای مختلف میهن اسلامی رواج یافته است.

۱۲. شام پنجشنبه

عرض اعمال، یکی از اعتقادات قطعی ماست، که ریشه قرآنی دارد:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ﴾؛

بگو: شما عمل کنید، خدا و پیامبر و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند. (۲)

این آیه شریفه صریح است در این که خداوند، رسول اکرم، و گروهی از مؤمنان اعمال ما را می‌بینند و شاهد اعمال ما هستند.

ده‌ها حدیث در ذیل این آیه در مورد عرض اعمال آمده است، یعنی: علاوه بر این که خدا و پیامبر و گروهی از مؤمنان شاهد اعمال ما هستند، اعمال ما به پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام عرضه می‌شود.

کلینی رحمته‌الله با سلسله اسنادش از امام صادق و امام رضا علیهما‌السلام روایت کرده که فرمودند:

اعمال همه امت از خوب و بد، بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرضه می‌شود. (۳)

از طریق اهل سنت نیز از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمود:

تُعْرَضُ عَلَيَّ اَعْمَالُكُمْ، فَمَا رَأَيْتُ مِنْ خَيْرٍ حَمِدْتُ اللّٰهَ عَلَيْهِ وَ مَا رَأَيْتُ مِنْ شَرٍّ اسْتَفْرَزْتُ اللّٰهَ لَكُمْ؛

۱- همان، ص ۴۱۶.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۳- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱ و ۶.

هدی عليه السلام عرضه می‌شود. (۱)

علامه مجلسی از صحیح مسلم نیز نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
هر هفته دو بار، روز دوشنبه و روز پنجشنبه اعمال مردم بر من
عرضه می‌شود. (۲)

آنگاه از سید ابن طاووس نقل کرده که در «جمال الاسبوع» فرموده
است:

عرض اعمال در روز دوشنبه و پنجشنبه در آن لحظات پایانی روز
است. (۳)

خوشا به حال آن بنده‌ای که در این روز با اعمال صالح و شایسته‌اش
موجب شود که بر لب‌های نازک‌تر از گل یوسف زهرا لبخند رضایتی نقش
ببندد.

خوشا به حال کسی که نامه عملش را در این دو روز با دعا بر فرج مولا
پایان دهد و پایان بخش اعمالش دعا برای فرج مولا باشد و نظر لطف و
محبت آن حضرت را به این وسیله به خود جلب نماید.

۱۳. شب نیمه شعبان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شب نیمه شعبان را احیا می‌کرد و اعمال فراوان برای
شب نیمه شعبان بیان فرموده است.

امت اسلامی دو قرن و نیم شب‌های نیمه شعبان را احیاء نگه
می‌داشتند، ولی راز قداست آن را نمی‌دانستند، تا در بامداد شب نیمه
شعبان ۲۵۵ هجری دوازدهمین امام از برج عصمت و طهارت طلوع کرد،

۱- طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۰۴.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۴۰.

۳- همان.

پس راز قداست شب نیمه شعبان بر همگان آشکار گردید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر پنجشنبه اعمال بر من عرضه می شود، چون هلال کامل شود و

شب نیمه شعبان فرارسد، اعمال بر رسول خدا و امیر مؤمنان عرضه

می شود، آنگاه در دیوان حکیم استنساخ گردد. ^(۱)

روی این بیان شام پنجشنبه که پایان هفته است، اعمال یک هفته بر

حجّت خدا عرضه می شود و در آخر هر ماه اعمال یک ماه عرضه می شود

و در شب نیمه شعبان اعمال یک سال به امضای حجّت خدا می رسد، تا در

لوح محو و اثبات عرضه شود.

برخی از عاشقان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، تقویم جالبی در اسلام

آباد پاکستان چاپ می کنند که از پانزده شعبان آغاز می شود و در پانزده

شعبان پایان می یابد.

تقویم هایی که بر اساس اول ژانویه، اول فروردین و اول محرم چاپ

می شوند، همه اش قراردادی است و تحریف هایی در آنها شده است،

مثلاً تقویم های قمری می بایست از اول ربیع الاول شروع شود، که اول

هجرت می باشد، ولی در عهد خلیفه دوم دسیسه ای رخ داد، برای کم رنگ

کردن لیلۃ المبیت مولا، آن را دو ماه عقب کشیدند و از اول محرم قرار

دادند، و لذا ابتکار «مشتاقان نور» در چاپ تقویم «نور» و قرار دادن آن از روز

میلااد نور، جالب توجه و شایان دقت است.

به هر حال شب نیمه شعبان باید همه عاشقان نور و منتظران ظهور،

لحظه ای غفلت نکنند و همه لحظات شب مبارک نیمه را با دعا برای فرج

مولا سپری کنند.

به ویژه کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه السلام را در آن شب پیدا کنند، که ارواح صد و بیست و چهار هزار پیامبر در آن شب زیر قبه سالار شهیدان گرد می‌آیند و فرشتگان برای عرض ادب و تقدیم سلام به پیشگاه حجّت خدا روی زمین می‌آیند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس بخواند صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کند، در شب نیمه شعبان به زیارت امام حسین علیه السلام شرفیاب شود، که ارواح پیامبران در آن شب برای زیارت امام حسین علیه السلام رخصت می‌طلبند، پس به آنها اجازه داده می‌شود. (۱)

در فرازی از دعای مأثور در شب نیمه شعبان آمده است:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنِ عَوَالِمِهِمْ وَأَدْرِكْ
بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْنَا ثَارَنَا بِثَارِهِ،
وَاجْعَلْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبِصُحْبِهِ
غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بارخدیا! بر خاتم و قائم آنها درود بفرست، که از عوالم آنها مخفی می‌باشد، خدایا ایام مبارک ظهور و قیامش را برای ما نصیب گردان، ما را از یاورانش قرار بده، خون ما را به خون او مقرون بگردان، ما را از یاران و نزدیکانش ثبت و ضبط بفرما، ما را در دولت او متنعم بفرما و از مصاحبت او برخوردار بنما، ما را به ادای حقوقش موفق بدار و از

هر ناپسندی سالم نگهدار، ای مهربان‌ترین مهربانان. (۱)

۱۴. روز نیمه شعبان

چقدر شایسته است که پیشوایان دین و رهبران آیین روز نیمه شعبان را روز جهانی دعا برای فرج مولا اعلام کنند.

شیعیان شیفته و عاشقان پاکبخته، که در طول دوران غیبت، در مکتب انتظار شب‌های تاریک و ظلمانی عصر غیبت را، با یاد عزیز سفر کرده، سحر کرده، در انتظار موعود منتظر، ستاره‌ها را شماره می‌کنند، وقت آن است که قدمی فراتر نهاده، دوران «تحسس» را تجربه کنند.

حضرت یعقوب علیه السلام پس از چهل سال سوختن و گداختن در انتظار حضرت یوسف، به فرزندان خطاکارش فرمان «تحسس» داد:

«يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسُّوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَّاسُوا مِنْ رَوْحِ
اللهِ اِنَّهُ لَا يَيَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُونَ»؛

هان، ای فرزندان من! بروید و از یوسف و برادرش «تحسس» کنید و از لطف خدا نومید نشوید، که جز قوم کافر کسی از الطاف خداوند مأیوس و نومید نمی‌شود. (۲)

پیشوایان جهان تشیع برای تحسس از یوسف زهرا فرمان صادر کنند که ای امت خطاکار، اعمال شما موجب به درازا کشیده شدن دوران غیبت شده، اینک به خود آید، از کردار خود توبه نمایید، در چهارگوشه دنیا از یوسف زهرا تحسس کنید.

گلوازه «تحسس» با «تجسس» یک فرق اساسی دارد:

۱- شیخ طوسی، مصباح‌المتهجد، ص ۸۴۲

۲- سوره یوسف، آیه ۸۷

تجسس به معنای جستجو کردن عیوب دیگران است.
تحسس به معنای جستجو کردن بر اساس احساس و عواطف بشری است.

به تعبیر دیگر: تحسس در خیر و تجسس در شرّ به کار می‌رود. (۱)
هر کس که عاطفه دارد و حوادث تلخ و احساس کُش روزگار هنوز همه عواطف و احساساتش را از بین نبرده، باید برای رسیدن به یوسف زهرا، مردانه بپاخیزد و در اماکن و مواقع مربوطه به جستجو پردازد.
شب‌های جمعه شب زیارتی امام حسین علیه السلام است، هرگز شب جمعه‌ای پس نمی‌آید که حضرتش در حرم سالار شهیدان حضور پیدا نکند.
شب‌های عرفه، عید قربان، عید فطر، لیالی قدر و دیگر شب‌های زیارتی مخصوص، هرگز از این فیض عظمی غفلت نمی‌ورزد.
شب‌های مبعث و میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عید غدیر، شب‌های زیارتی مولای متقیان است و بدون تردید در حرم مولای متقیان حضور پیدا میکند.
روزهای عرفه همه ساله در عرفات هستند و در مراسم حج شرکت می‌کنند.

شیعیان منتظر باید در هر مناسبتی در اماکن مربوطه حضور یافته، پس از توبه و انابه، با احساس خاص و عواطف پاک، به تحسس و جست و جوی یوسف زهرا علیها السلام پردازند.

بر فارغ التحصیلان مکتب انتظار است که گامی فراتر نهاده، در مکتب تحسس ثبت نام نموده، با الفبای مکتب تحسس آشنا شوند.

۱۵. شب‌های عید فطر و قربان

شب‌ها و روزهای عید فطر و قربان ساعات استجابیت دعا هست و باید در رأس همه حوائج دعا برای فرج مولا قرار بگیرد. در فرازی از دعا که به هنگام حرکت به سوی نماز عید از معصوم علیه السلام رسیده، آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُنْذِلُ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْمَعُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛

خدایا! ما به سوی تو رغبت می‌جوئیم برای دولت کریمه‌ای که اسلام و مسلمانان را در آن عزیز، نفاق و منافقان را در آن خوار و ذلیل نمایی، ما را از دعوت کنندگان به اطاعت خود و راهنمایان به راه خود قرار دهی، به این وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی کنی. ^(۱)

۱۶. شب قدر

شب قدر که قرآن در آن نازل شده، یک شب است و در ماه رمضان، در شب‌های فرد و در دهه آخر ماه مبارک رمضان است. جز این که در میان سه شب، (۱۹، ۲۱ و ۲۳) و یا در میان دو شب (۲۱ و ۲۳) پوشیده شده است.

بر اساس روایات فراوان شب بیست و سوم همان شب قدر است. ^(۲) در شب بیست و سه ماه رمضان، دعای معروف «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» وارد شده است.

۱- سید ابن طاووس، إقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۷۶.

۲- شیخ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۳؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۵۶؛ ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۲۵۰؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۵، ص ۵۶۰.

در متن روایت تصریح شده که آن را در شب ۲۳، در همه ماه، در طول روزگار، در هر لحظه‌ای که برای تو میسر گردد، آن را در حال ایستاده، نشسته، در حال سجده و در هر حالی تکرار کن. (۱)

یکی از پیشتازان عرصه مهدویت نقل کرد که مرحوم آیه الله خوئی رحمته الله علیه فرمودند:

من بیش از پنجاه سال است که ملتزم هستم در قنوت‌های نماز این دعا را بخوانم.

۱۷. دیگر لیالی قدر

شب‌ها و روزهای ماه رمضان بسیار مهم و مغتنم است و باید از در همه اوقات این ماه رحمت برای دعا کردن و مسألت نمودن تعجیل در امر فرج بهره برد، به ویژه از شب‌های خاص و روزهای خاص آن، که از آن جمله است، شب شهادت مولای متقیان، امیر مؤمنان علیه السلام.

حماد بن عیسی، از حماد بن عثمان نقل کرده که در شب بیست و یکم ماه رمضان به محضر مقدس امام صادق علیه السلام رسیدم، پرسیدند: ای حماد، غسل کرده‌ای؟ گفتم: آری. پس حصیری خواست و به من امر فرمود که در کنارشان قرار بگیرم.

چون از نمازها و دعاها فارغ شدیم، اذان صبح شد، غلامان را صدا کرد، اذان و اقامه گفت و نماز صبح را به ایشان اقتدا کرده انجام دادیم.

بعد از تعقیبات نماز به سجده رفت و مدتی طولانی در حال سجده بود و چیزی از سخنانش نمی‌شنیدم.

آنگاه یک مناجات طولانی از آن حضرت نقل کرده که در فرازی از آن

آمده است:

وَأَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجٍ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِهِ
تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ، عَجِّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ...؛

و این که اجازه بدهی به فرج کسی که فرج اولیا و برگزیدگان از مخلوقات به فرج او بستگی دارد و به وسیله او ستمگران را نیست و نابود کنی، پس در آن تعجیل فرمای پروردگار عالمیان.

پس از اتمام سجده حمّاد پرسید: مگر آن شخص خود شما نیستید؟

فرمود:

لَا ذَاكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام؛

نه، او قائم آل محمد عليه السلام می باشد. (۱)

مانیز به پیروی و به فرمان پیشوایان معصوم، در طول سال، در هر فرصتی و در هر حال، به این دعای معروف به: دعای فرج، رطب اللسان هستیم و به پیروی از مقام شامخ مرجعیت، در قنوت نمازها به خواندن آن مداومت داریم.

۱۸. روز عید سعید غدیر

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روز عید سعید غدیر، در خطبه‌ای که در سرزمین غدیر خم، در حضور صد و بیست هزار نفر از اصحاب ایراد فرمود، چندین بار از حضرت مهدی عليه السلام نام برده و بیش از بیست وصف از اوصاف آن حضرت را بر شمرده است. (۲)

بر همه منتظران ظهور و شیفتگان آن امام نور است که در شب و روز

۱- سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲- طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

عید غدیر به یاد مولا باشند و برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دست به دعا بردارند.

۱۹. روز عاشورا

روز عاشورا روز قیام جهانی حضرت بقیه الله اروحنا فداه می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: در شب بیست و سوم ماه رمضان، منادی آسمانی به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین علیه السلام است، قیام می کند. (۱)

و چه شایسته است که منتقم خون امام حسین علیه السلام قیام شکوهمند خود را در روز شهادت آن حضرت آغاز نماید.

از این رهگذر امر شده که در روز عاشورا، دوستان اهل بیت اینگونه به یکدیگر تسلیت بگویند:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَ أَجُورَكُمْ بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

خداوند پاداش ما و شما را در مصیبت حضرت حسین علیه السلام افزون کند،

ما و شما را از طلب کنندگان خون آن حضرت، به همراه ولی اش امام

مهدی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بدهد. (۲)

در فرازی از زیارت عاشورا آمده است:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي [بِكَ] أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛

از خداوندی که مقام تو را گرامی داشته و ما را به سبب شما گرامی

داشته است، مسألت می کنم که طلب خون تو را در خدمت امام نصرت

۱- شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۹. ۲- شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۷۲.

یافته از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای من ارزانی بدارد. (۱)

و در فرازی دیگر آمده است:

وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ؛

و این که خونخواهی شما را برای من روزی کند، در محضر امام هدایتگر، ظاهر و ناطق به حق از شما. (۲)

روی این بیان باید در تمام لحظات روز عاشورا به یاد منتقم خون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر مظلومان در راستای تاریخ بود، و در تمام لحظات، به ویژه در مجالس و مراسم عزاداری سالار شهیدان، برای فرج و تعجیل در فرج آن دست انتقام الهی دعا نمود.

۲۰. در مجالس سوگواری

در مجلسی که مصائب سالار شهیدان بیان شود، آنجا در حکم حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می باشد و دعا در آن مستجاب است، از این رهگذر باید در این مجالس برای فرج منتقم خون آن حضرت دعا شود.

صاحب مکیال از یکی از دوستان صالح خود نقل می کند که در عالم رؤیا به محضر حضرت بقیة الله مشرف شده، حضرت فرموده است:

در هر مجلسی که مصائب جدّ شهیدم ذکر شود، سپس برای تعجیل در امر فرج من دعا شود، من نیز برای آن شخص دعا می کنم. (۳)

بر این اساس لازم است عاشقان ظهور و شیفتگان آن امام نور، در تمام مشاهد مشرفه، اماکن مقدسه و محافل مربوط به خاندان عصمت و طهارت، از دعا برای تعجیل در امر فرج غفلت نکنند، تا به این وسیله

۱- همان، ص ۷۷۵. ۲- همان، ص ۷۷۶.

۳- موسوی احمد آبادی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۷.

عنایت و مرحمت آن حضرت را به سوی خود معطوف بدارند و رضایت خاطر حجّت خدا را فراهم آورند.

در پایان به این نکته اشاره می‌کنیم که: آیا امام زمان به دعای ما نیاز دارد؟

نه، هرگز، بلکه این ما هستیم که به جلب خاطر آن حضرت علیه السلام نیاز داریم و دعا برای فرج، یکی از راه‌های جلب نظر و عنایت آن حضرت می‌باشد.

از دیگر مسائل جلب عنایت و رضایت خاطر آن حضرت:

- (۱) صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت.
- (۲) تلاوت قرآن و تقدیم ثوابش به آن حضرت.
- (۳) انجام حج و عمره به نیابت از طرف آن حضرت.
- (۴) زیارت جرم مطهر ائمه هدی و تقدیم ثواب آن به آن حضرت.
- (۵) انجام خیرات و مبرّات و اهدای پاداش آن به آن حضرت.

اماکن استجابت دعا

در تمام نقاط کرهٔ خاکی باید خدا را بخوانیم، ولی در برخی از اماکن متبرّ که احتمال استجابت دعا بیشتر است، که باید به هنگام تشرّف به این اماکن مقدّسه فرصت را غنیمت بشماریم و بیش از همه و پیش از همه حوائج خود، برای فرج مولای خود دعا کنیم و اینک به برخی از این اماکن اشاره می‌کنیم:

۱. مسجد الحرام

حجّاج بیت الله الحرام پس از احرام در میقات‌ها، بعد از توبه و انابه، هنگامی که وارد حرم امن الهی می‌شوند، هنگامی که دیدگانشان با دیدار خانهٔ خدا روشن می‌شود، باید اولین دعایشان فرج و ظهور صاحب خانه باشد، که هدف اصلی از تشرّف به خانهٔ خدا دیدار حجّت خدا می‌باشد.

قرآن کریم اشارهٔ لطیفی به این مطلب نموده می‌فرماید:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُّ﴾؛

در میان مردم برای حجّ فراخوان، تا بیایند به سوی تو. (۱)

اگر هدف از حج دیدار کعبه بود، می‌فرمود: «یا تونه» یعنی به سوی آن بیایند، ولی چون هدف دیدار صاحب خانه است، فرموده: «یا تُوكُّ» یعنی به سوی تو بیایند.

هدف از حج در زمان ابراهیم خلیل، دیدار حضرت ابراهیم، در عصر رسالت دیدار رسول اکرم و در عصر ما دیدار حجّت خدا می‌باشد.

و لذا باید بیشترین دعا در مسجد الحرام، دعا برای تعجیل در امر فرج باشد.

محمد بن عثمان دوّمین سفیر از سفرای اربعه می‌گوید:

آن حضرت را در کنار خانه خدا، در قسمت مستجار دیدم که از استار

کعبه گرفته بود و عرضه می‌داشت:

اللَّهُمَّ اِنْتَقِمْ لِي مِنْ اَعْدَائِكَ؛

خدایا، انتقام مرا از دشمنانت بگیر. (۱)

ما نیز باید به پیروی از امام زمان خود، از استار کعبه گرفته، برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کنیم.

۲. مسجد النبی ﷺ

عزیزانی که در موسم حج و یا برای انجام عمره به شهر مدینه مشرف می‌شوند، هنگامی که از در جبرئیل وارد مسجد النبی می‌شوند، با در خانه حضرت زهرا علیها السلام رو به رو می‌شوند. مشاهده در خانه حضرت زهرا علیها السلام، حوادث تلخ و ناگواری را در همه زائران تداعی می‌کند، که بی‌اختیار اذهان متوجه تهاجم به خانه وحی می‌شود و در برابر دیدگان مجسم می‌شود که گروهی ستمگر، به خانه وحی هجوم آورده‌اند و تنها یادگار پیامبر را در میان در و دیوار آزرده‌اند.

مرحوم آیه الله قزوینی می‌فرمود:

حضرت زهرا علیها السلام چندین بار در میان در و دیوار به فرزند دلبندهش حضرت مهدی علیه السلام متوسل شده، صدای خود را به «یا مهدی» بلند کرد. زائران سرزمین وحی با مشاهده در خانه حضرت زهرا علیها السلام به یاد محسن

شهید علیه السلام افتاده، برای متقم خون حضرت محسن دعا می‌کنند و از خالق منان تعجیل در امر فرج آن حضرت را مسألت می‌نمایند.

مشاهده قبور ائمه بقیع از دیگر عوامل یادآوری مظلومیت اهل بیت و غربت آنان در وطن خود می‌باشد و هر قلب آگاهی را به مهم‌ترین عامل این غربت که همان غیبت حضرت حجّت است، متوجّه می‌نماید و از اعماق دل دعا برای تعجیل در امر فرج را به دنبال می‌آورد.

۳. صحرای عرفات

بر اساس روایات فراوان وجود مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه همه ساله در مراسم حج شرکت می‌کند.

روی این بیان، روز عرفه، از ظهر تا مغرب بدون شبهه حجّت خداوند در صحرای عرفات حضور دارند و حجّاج بیت الله الحرام در روز عرفه یقین دارند که در فضایی قرار دارند که حجّت خدا نیز در آن فضا قرار دارد و از هوایی استنشاق می‌کنند که حجّت خدا نیز از همان هوا استنشاق می‌کند.

از این رهگذر باید فرصت را غنیمت بشمارند و قسمت اعظم وقت خود را به دعا برای تعجیل در امر فرج اختصاص دهند.

اگر چه حجّاج بیت الله معمولاً روز عرفه دعای امام حسین و امام زین العابدین علیهما السلام را در صحرای عرفات می‌خوانند، ولی شاید غالب آنها از اختصاص برخی از فرازها به دعا برای فرج آن حضرت غافل باشند.

در فرازی از دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ اَمَلًا الْاَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِثْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَامْنًا

بِهِ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَاَزَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ.

وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيعَتِهِ.

أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَأَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعًا، وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ، وَأَسْرَعِهِمْ إِلَيَّ
مَرْضَاتِهِ، وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ، وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ.

وَأَرْزُقُنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى الْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ؛

خداوند! زمین را به دست او پر از عدل و داد بفرما، همان گونه که پر
از جور و ستم شده است.

خداوند! به وسیله او بر فقرای مسلمین، بر بیوگان و بینوایان
مسلمانان منت بگذار.

خدایا! مرا از بهترین دوستان و شیعیان آن حضرت قرار بده.

خدایا! مرا از کسانی قرار بده که بیش از همه او را دوست می‌دارد،
بیش از همه از او فرمان می‌برد، بیش از همه او امرش را اجرا می‌کند،
بیش از همه برای جلب رضایتش تلاش می‌کند، بیش از همه سخنانش
را می‌پذیرد و بیش از همه فرمانش را انجام می‌دهد.

خدایا! شهادت در رکاب آن حضرت را به من روزی بفرما، تا تو را در
حالی ملاقات کنم که از من راضی هستی. (۱)

با توجه به جایگاه رفیع امام سجّاد علیه السلام عظمت این فرازها آشکار
می‌شود. امام سجّاد که خود حجّت خدا و جدّ بزرگوار امام زمان علیه السلام
می‌باشد، در مورد فرزندش این گونه دعا کرده است.

امام سجّاد علیه السلام در سال ۹۵ هجری به شهادت رسیده، و حضرت بقیة الله
ارواحنا فداه در سال ۲۵۵ متولد شده است. در نتیجه به هنگام این دعا بیش
از ۱۶۰ سال به تولّد آن حضرت باقی بود.

اگر امام سجّاد علیه السلام صد و شصت سال پیش از ولادت آن حضرت اینگونه

دعا می‌کند، ما که در عصر غیبت و در تاریکی شب‌های دیجور زمان زندگی می‌کنیم، چگونه باید تضرع و التماس نماییم.

امام سجاده علیه السلام که خود حجّت خدا و جدّ اعلای امام زمان علیه السلام می‌باشد، اگر این‌گونه در برابر آن حضرت خضوع می‌کند، ما چه واژه‌هایی پیدا کنیم، که بتوانیم از جایگاه رعیت آن حضرت، در برابرش عرض ادب نماییم.

بسیار شایسته است یکبار دیگر این فرازها را با توجه قرائت کنیم و جایگاه رفیع و مضامین بلند آن را به خاطر بسپاریم، تا به ضرورت تواضع در برابر آن حجّت خدا پی ببریم.

و اگر توفیق تشرف به زیارت خانه خدا پیدا کردیم، همین الفاظ را در روز عرفه در صحرای عرفات با توجه کامل تکرار کنیم.

ع. نجف اشرف

زائران عتبات عالیات در مسجد اعظم کوفه، در مسجد سهله، در مقام امام مهدی وادی السلام و دیگر نقاط حسّاس این شهر باید به یاد صاحب عصر و زمان باشند و بیشترین وقت خود را در مشاهد مشرفه به این امر مهم اختصاص دهند، از جمله در حرم مطهر مولای متّقیان امیر مؤمنان علیه السلام که اوّل مظلوم تاریخ است و زائر هنگامی که زمزمه می‌کند:

أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ؛

شما اوّلین مظلوم و اوّلین کسی هستید که حقّش به تاراج رفته است. (۱)

طبعاً به یاد منتقم خون مظلومان در راستای تاریخ افتاده برای فرجش دعا می‌کند، همان‌گونه که شخص مولانا علیه السلام در حرم امیر مؤمنان علیه السلام برای

فرج خود دعا می‌کند:

وَمِنْ دُعَائِهِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

آیه الله سید مهدی خراسان، محقق بی نظیر دوران، مجاور حرم مطهر
امیر مؤمنان عليه السلام ^(۱) بدون واسطه از مرحوم شیخ عبد علی بحرانی نقل
می‌کند که گفت:

روزی در حرم امیر مؤمنان عليه السلام شخصی را دیدم که این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ هَذَا دِينُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِدِينِكَ؛

خداوندا! این دین توست که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد و
آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر دین خود
تعجیل بفرما.

اللَّهُمَّ هَذَا كِتَابُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِكِتَابِكَ؛

خداوندا! این کتاب توست که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد
و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر کتاب خود
تعجیل بفرما.

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ أَعْيُنُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْبَحَتْ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ؛

خداوندا! این دیدگان مؤمنان است که در نبود ولایت گریان است، پس

۱- آیه الله سید محمد مهدی خراسان، صاحب موسوعه ابن ادریس، موسوعه ابن عباس،
السجود علی التربة الحسينية، محسن السبط، مزيل اللبس في مسألتي شق القمر ورد
الشمس، علي إمام البررة ودها اثر ارزشمند دیگر، از حسنات دهر و افاضل علمای
عصر می باشد.

بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر مؤمنان تعجیل بفرما.

شیخ عبد علی بحرانی کوفی گوید: با خود گفتم شاید این شخص امام عصر علیه السلام باشد، در همان لحظه آن شخص از مقابل ضریح به سمت پشت ضریح حرکت کرد، من نیز در جهت مخالف او حرکت کردم تا روی در روی، او را ملاقات کنم؛ ولی او را ندیدم. به سرعت از حرم خارج شدم، از خادمین و دیگران درباره او سؤال کردم، کسی چیزی نمی دانست. به ذهنم رسید شاید از سمت ایوان طلا خارج شده است، در صحن شریف گشتم ولی او را ندیدم، لذا یقین کردم که این شخص وجود نازنین امام عصر علیه السلام بود، که این گونه برای فرج خود دعا می کرد. ^(۱)

۵. کربلای معلی

در همه مشاهد مشرفه احتمال استجاب دعا هست، لکن حرم مطهر سالار شهیدان خصوصیت دارد، در حدیث شریف آمده است:

وَ إِجَابَةُ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ؛

خداوند منان استجاب دعا را در زیر گنبد آن حضرت قرار داده است. ^(۲)

در بسیاری از زیارت‌های مأثور از امامان معصوم علیهم السلام، دعا برای تعجیل

۱- چند سال پیش به هنگام تشرّف به عتبات عالیات، در نجف اشرف آن را از محضر مقدّس آیه الله خراسان استماع کردم و تقاضا نمودم که به خطّ مبارکشان مرقوم فرمایند و عنایت فرمودند.

سال گذشته که به ایران آمده بوند، و در شب دوّم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲ ق. در قم در بنده منزل در خدمتشان بودیم، تایپ شده آن متن را به محضرشان ارائه دادم، امضا و توشیح فرمودند، دستخط مبارکشان در کتابخانه نگارنده موجود است.

۲- ابن فهد، عدّة الداعی، ص ۵۷.

در امرِ فرجِ خونخواهِ سالارِ شهیدان آمده است.

در فرازی از زیارتی که ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، آمده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ،
أُطَلِّبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ؛

خدایا! ای پروردگار امام حسین، سینه امام حسین را بهبودی عنایت

کن، خداوندا! ای پروردگار حسین علیه السلام خون حسین را بطلب. (۱)

ما نیز از بیان کشف الحقایق، امام جعفر صادق علیه السلام الهام گرفته، عرضه

می‌داریم:

يا رَبِّ الْحُسَيْنِ، إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، بظهور الحجة؛

يا رَبِّ الْحِجَّةِ، إِشْفِ صَدْرَ الْحِجَّةِ، بظهور الحجة؛

يا رَبِّ الْمُؤْمِنِينَ، إِشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، بظهور الحجة.

۱۵ رجب ۱۴۳۳ ق.

سالروز ارتحال جانگداز

عقيلة العرب، حضرت زینب کبری علیها السلام.

علی اکبر مهدی پور

دعا برای تعجیل در امر فرج از دیدگاه مراجع بزرگ تقلید

چهل سال پیش امام جمعه مسجد صاحب الزمان لکهنو، نامه‌ای به پیشگاه مراجع بزرگ تقلید نوشته، از آنها برای شیعیان هند کسب تکلیف نموده و اینک پاسخ سه تن از مراجع بزرگ آن روز:

[۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من المحبّين والناصرين والمنتظرين لمولانا المهدي صاحب الزمان، عجل الله تعالى ظهوره وأرواحنا له الفداء. والصلوة على رسول رب العالمين، أبي القاسم محمد صلى الله عليه وآله الطاهرين، سيّما حجّة ابن الحسن المهدي المنتظر، سهل الله تعالى أمر فرجه الشريف.

امّا بعد، شیعیان و مسلمانان جميع بلاد اسلامی آگاه باشند که در موقعیت هولناک و زمان عجیبی قرار دارند و از همه جوانب ایمان در معرض خطر است و اوصاف این زمان ناگوار در روایات و کلمات مبارکه ائمه هدی سلام الله عليهم اجمعین مبسوط و مشروح بیان شده است.

اینک موضوع بسیار مهم، و ظائف خطیری است که در چنین زمان بر جميع شیعیان فرض بوده و باید به طور حتم بدانها توجه نموده و آنی غفلت نورزند.

۱. بر جميع گویندگان و وعّاظ محترم در بلاد اسلامی فرض است که مردم را متوجه به غوث الهی حضرت بقية الله ارواحنا فداء، نموده، و به مردم گوشزد نمایند که آن حضرت متوجه به جميع جزئیات اعمال آنها

می‌باشد و باید در هر امر مشکلی، کوچک و بزرگ، به او پناه ببرند و استغاثه نمایند و بدانند که با کوچکترین توجه و توسل به آن جناب، نظر مرحمت آن حضرت را متوجه خود خواهند دید.

۲. باید بدانند که حقیقت انتظار فرج حضرت - که از افضل عبادات است - آن است که هر فرد شیعه و مسلمان، در اعمال و رفتارش در معاشرت‌ها و معاملات و عبادات؛ خود را به رنگ غیر مسلمان در نیاورد و از مسیر صحیح اسلامی قدمی فراتر نگذارد و همانطور که امام صادق علیه السلام امر فرموده، هر صبح و شام با عرض سلام و اخلاص به حضرتش تجدید عهد نماید و بر فراقش گریان باشد و شب و روز از خداوند بخواهد که هدایت‌کننده خلق، نجات‌دهنده بشر را از پس پرده خارج نماید و اگر کسی لفظاً منتظر فرج باشد، ولی در محمل رفتارش خلاف انتظار باشد، مورد سخط الهی است و بداند که حوادث خطرناک این عصر و زمان ایمان او را خواهد ربود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ، واجعلنا من أعوانه وأنصاره، وأرنا في آل محمد ما يأملون وفي عدوهم ما يحذرون والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.

في ۱۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۹۲ ق.

سید کاظم تبریزی

[۲]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلقنا وهدانا إلى معرفته وأرشدنا إلى أبواب رحمته وجعلنا من محبي أوليائه وصيرنا من المنتظرين لخاتم أصفياؤه، أعني حجة ابن الحسن المهدي عجل الله تعالى ظهوره وأكرمنا برؤيته وفرج عنا بدولته.

تمام جهان هستی طفیل وجود حجت حق بوده و ریزه خوار خوار احسانش می‌باشند. مدح و ثنا شکر الطاف بیکرانیش بر جمیع امت مرحومه از اهمّ واجبات است. و در این زمان که مردم غفلت از حق دارند و دوران فتنه هاست، بر جمیع شیعیان فرض است که در تمام مجالس عمومی و خصوصی و بعد از صلوات واجبه و مستحبّه، از خداوند تعجیل در ظهور عزیزش را خواستار و قبل از همه خواسته‌های خود، از خداوند تبارک و تعالی بخواهند که به زودی به دوران غیبت آن امام مبین خاتمه دهد و دوران ظلم و جور را پایان بخشد.

در عرض سلام به پیشگاه مقدّسش صباحاً و مساءً کوشا و پیوسته منتظر امر فرج بوده، در فراق و دوری‌اش اشکبار باشند و در جمیع حوادث متوجّه به آن حضرت بوده، و از او نجات خود را بخواهند و سعی نمایند در جمیع اعمال و رفتار به گونه‌ای باشند که رضای او در آن است.

بر خطبا و وعّاظ محترم فرض و واجب است که در منابر مردم را آشنا و متوجّه به حضرتش نموده، که درست ایمان بیاورند و حالت انتظار فرج را در عامّه مردم و به جود آورند. أعاذنا الله وایاکم عن الغفلة.

اللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا وَلِيَّ
اللّهِ الْأَعْظَمِ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ رُوحِي فِدَاهِ، اللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ
وَكَثِّرْ أَعْوَانَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

الدّاعِي والمُلتَمِس الدّعاء من إخواننا المؤمنين

السَّيِّد مُحَمَّد هَادِي الْحُسَيْنِي الْمِيلَانِي

[۳]

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي أنعم علينا بالإسلام وهدانا إلى معرفة أئمة الكرام وصيرنا

من منتظري خاتم أوصيائه العظام، والصلاة على أشرف أنبيائه ورسله
بمحمّد وآله الطاهرين المكرّمين، سيّما الإمام الأعظم والغوث المعظم،
صاحب العصر والزّمان عجل الله فرجه الشريف.

در این لحظات حسّاس و اوضاع آشفته جهان، که ایمان و اعتقادات و
معنویات مردم شیعه و مسلمان جهان در معرض خطر است، وظیفه خطبا و
گویندگان جامعه مسلمان است که تمام مردم را متوجّه به پناه دهنده عالم و
غوث اعظم الهی امام عصر ارواحنا له الفداء نمایند و در تمام مجالس و منابر
برای تعجیل در ظهور آن بزرگوار دعا نموده و مردم را بر توّسل و استغاثه به
آن جناب وادار نمایند، که به زودی آثار عظیم و برکات آن ظاهر خواهد شد.

بر کافه شیعیان و مسلمانان است که لحظه‌ای از توجّه غفلت نورزند و
منتظر حقیقی آن جناب باشند و در جمیع اعمال با سایر طبقات بشر غیر
مسلمان فرق داشته باشند و طبق فرمایش حضرت جعفر بن محمّد
الصادق علیه السلام بر غیبتش اشک ریزان، و از دربار عظمت حقّ جلّ و علا تعجیل
فرجش را خواستار باشند.

اللهم صلّ على حبيبك و صفيك محمّد و آله و عجل فرج و ليك و أنجز له
ما وعدته و أرنا دولته و اجعلنا في حزبه و أنصاره.

اللهم أعدّه من شرّ جميع خلقك و انصره و انتصر به لدينك. و لا حول و لا
قوة الا بالله و السّلام على إخواني المنتظرين لفرجه الشريف خير ختام.

حرّره الدّاعي لهم:

شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي

این سه بیانیّه چهل سال پیش، در آستانه نیمه شعبان ۱۳۹۲ هـ.ق. در
پاسخ به نامه شیخ عابد حسین هندی، امام جمعه مسجد صاحب الزمان
لکهنو صادر و منتشر شده است.

در همین رابطه بیانیّه دیگری از زعيم حوزه علمیه نجف اشرف به

دست ما رسیده، که متن آن را در زیر می آوریم.

[۴]

بسمه تعالی

پوشیده نیست که اخبار مشتمل بر حق و ترغیب و انتظار فرج و ظهور حضرت خاتم الأوصیاء و بقیة الله فی الأرضین حجّة بن الحسن صلوات الله علیهما و عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیش از اندازه مرقوم است. چنانکه انتظار فرج حضرتش نیز یکی از عبادات مورد ترغیب مؤکد در اخبار است. بنابراین بسیار شایسته و به موقع است که حضرت را در همه احوال منظور و مذکور خود، در سرّ و علانیه ساخته و به ذکر حال و مقال آن حضرت، که مایه برقراری جهان و دوام روزی خلق در آن است و درخواست تعجیل فرج مبارک و میمونش از درگاه ذی الجلال، که موجب پایداری عدل و امان است، رطب اللسان باشیم و مزید برکات وجودش را از پیشگاه پروردگار رؤف، اعمّ از غیبت و حضورش همیشه خواستار گردیم.

والسلام علیکم ورحمة الله برکاته.

فی ۱۲ رمضان المبارک ۹۷ هـ

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| تنها امید | ۶ |
| تنها ره‌رهایی | ۱۱ |
| ۱- خالی نبودن زمین از حجت خدا | ۱۸ |
| ۲- وسیله دفع بلاها | ۲۰ |
| ۳- وسیله بارش باران | ۲۱ |
| ۴- وسیله ظهور برکات زمین | ۲۱ |
| ۵- تقوا تنها راه رسیدن | ۲۲ |
| ۶- همنام و هم‌کنیه پیامبر ﷺ | ۲۳ |
| ۷- زمین را پیر از عدل و داد کند | ۲۳ |
| ۸- عمر طولانی دارد | ۲۳ |
| ۹- حکومت جهانی | ۲۴ |
| ۱۰- غیبت طولانی | ۲۵ |
| ۱۱- هلاکت | ۳۱ |
| ۱۲- مرگ جاهلی | ۳۳ |
| ۱۳- استواری در دین | ۳۴ |
| ۱۴- دعا برای تعجیل در امر فرج | ۳۵ |
| ۱۵- آخرین ذخیره الهی | ۳۹ |
| ۱۶- منتقم خون مظلومان در راستای تاریخ | ۴۱ |
| ۱۷- ارتداد حدّ اکثری | ۴۲ |

- ۱۸- پیمان الهی ۴۲
- ۱۹- ایمان راسخ ۴۳
- ۲۰- تأییدات ربّانی ۴۳
- دعا برای فرج ۴۵
۱. دعا برای فرج واجب عینی است ۴۵
۲. دعا برای تعجیل در فرج در هر لحظه و در همه جا لازم است ۴۶
۳. دعا برای تعجیل در امر فرج باید تداوم داشته باشد ۴۶
۴. آسان‌ترین راه برای جلب عنایت مولا ۴۷
- اوقات استجاب دعا ۵۰
- ۱- به دنبال هر نماز واجب ۵۱
- ۲- بعد از نماز عصر ۵۲
- ۳- بعد از نماز شب ۵۳
- ۴- بعد از نماز جعفر طیار ۵۳
- ۵- در قنوت‌های نماز ۵۴
- ۶- قنوت روز جمعه ۵۵
- ۷- بامدادان ۵۵
- ۸- در یگانه جمعه ۵۶
- ۹- عصر جمعه ۵۶
- ۱۰- شامگاهان ۵۷
- ۱۱- شام جمعه ۵۷
- ۱۲- شام پنجشنبه ۵۸
- ۱۳- شب نیمه شعبان ۶۱

۱۴. روز نیمه شعبان ۶۴
۱۵. شب‌های عید فطر و قربان ۶۵
۱۶. شب قدر ۶۶
۱۷. دیگر لیالی قدر ۶۷
۱۸. روز عید سعید غدیر ۶۸
۱۹. روز عاشورا ۶۹
۲۰. در مجالس سوگواری ۷۰
- از دیگر مسائل جلب عنایت و رضایت خاطر آن حضرت: ۷۱
- اماکن استجابت دعا ۷۱
۱. مسجد الحرام ۷۱
۲. مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۷۲
۳. صحرای عرفات ۷۳
۴. نجف اشرف ۷۵
- وَمِنْ دُعَاءِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۷۶
۵. کربلای معلی ۷۸
- دعا برای تعجیل در امر فرج از دیدگاه مراجع بزرگ تقلید ۷۹